Journal of Exalted Governance
"Scientific"
Autumn 2026, Vol. 7, No. 27

The Role and Impact of the United Nations in Promoting Governance in the Field of Women (with Emphasis on the Actions of UN Women)

Hassan Khosravi[1]

Abstract

The United Nations attaches special importance to governance in the field of women in order to consolidate and develop human rights and considers any appropriate action in this regard as a way to realize women's civil, political and social rights. Women's governance within the framework of the United Nations umbrella and human rights instruments is organized into two complementary approaches, namely: the gender-responsive governance approach, which emphasizes the transformation of governance institutions and processes to respond to the different needs of women and men, and the women's political participation approach, which emphasizes the equal presence and effective agency of women at all levels of decision-making as a human right and a development goal. This article, with a descriptive-analytical approach, seeks to explain the position of women's governance in the practice and performance of the United Nations and its constructive role in promoting governance and realizing women's political and social rights in accordance with international human rights standards. The findings of the research show that the United Nations, by formulating human rights norms and values in human rights documents and treaties, establishing supporting institutions and organizations, formulating operational plans, adopting effective executive measures and gender-responsive monitoring and accountability mechanisms, and analyzing statistical data in different countries, has promoted the political and social rights of women, and has also changed the level of women's governance and participation in public, national, and local affairs to a desirable state during its eight decades of continuous activity, which is clearly evident in the statistical data of the United Nations Women.

Keywords: Women's Governance, Human Rights, United Nations, UN Women, Gender Equality.

1. Professor of Public Law Department, Payame Noor University, Tehran. Iran
khosravi@pnu.ac.ir

فصلنامه حکمرانی متعالی
سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۴۰۵
مقالهٔ پژوهشی، از صفحه ۱ تا ۲۰

نقش و تأثیر سازمان ملل متحد در ارتقای حکمرانی در حوزه زنان با تأکید بر اقدامات نهاد زنان ملل متحد

حسن خسروی[۱]

دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ **پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۷/۰۴**

چکیده

سازمان ملل متحد در راستای تحکیم و توسعه حقوق بشر اهمیت ویژه‌ای برای حکمرانی در حوزه زنان قائل است و هرگونه اقدام مقتضی در این ارتباط را در مسیر تحقق حقوق مدنی ـ سیاسی و اجتماعی زنان قلمداد می‌کند. حکمرانی زنان در بستر چتر حمایتی ملل متحد و اسناد حقوق بشری در دو رویکرد مکمل ساماندهی شده است که عبارت است از: رویکرد حکمرانی پاسخگوی جنسیتی که بر دگرگونی نهادها و فرایندهای حکمرانی برای پاسخگویی به نیازهای متفاوت زنان و مردان تأکید می‌کند و رویکرد مشارکت سیاسی زنان که بر حضور برابر و عاملیت مؤثر زنان در تمام سطوح تصمیم‌گیری به‌عنوان حق بشری و هدف توسعه تأکید می‌کند. این مقاله با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی در پی تبیین جایگاه حکمرانی زنان در رویه و عملکرد سازمان ملل متحد و نقش سازنده آن در ارتقای حکمرانی و تحقق حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در انطباق با موازین حقوق بشری بین المللی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سازمان ملل متحد با تدوین هنجارها و ارزش‌های حقوق بشری در اسناد و معاهدات حقوق بشری، تأسیس نهادها و سازمان‌های حمایتی، تدوین برنامه‌های عملیاتی، اتخاذ اقدامات اجرایی مؤثر و سازوکارهای نظارتی و پاسخگویی جنسیتی و تحلیل داده‌های آماری در کشورهای گوناگون، زمینه‌های ارتقای حقوق سیاسی و اجتماعی زنان را فراهم کرده است و همچنین سطح حکمرانی و مشارکت زنان در امور عمومی، ملی و محلی را در طول هشت دهه فعالیت پیوسته خود، به وضعیت مطلوبی تغییر داده که در داده‌های آماری نهاد زنان ملل متحد آشکار است.

واژگان کلیدی: حکمرانی زنان، حقوق بشر، سازمان ملل متحد، نهاد زنان ملل متحد، برابری جنسیتی

۱. استاد، گروه حقوق عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. khosravi@pnu.ac.ir

مقدمه

مفهوم حکمرانی ازجمله موضوعات مهم دولت‌ها در عصر مردم‌سالاری و حقوق بشر است که با چالش‌های عمده‌ای مانند برابری جنسیتی در بهره‌مندی برابر زنان و مردان از حقوق سیاسی و اجتماعی خود مطابق با موازین و هنجارهای حقوق بشری مندرج در اسناد و معاهدات حقوق بشر بین‌المللی و حتی قانون اساسی‌ها، روبه‌رو هستند. در این راستا، سازمان ملل متحد در راستای تحقق اهداف تأسیسی خود، یعنی تأمین صلح و امنیت بین‌المللی و دفاع از حقوق بنیادین بشر، اقدامات مقتضی را در حوزه‌های گوناگونی مانند موضوع حکمرانی در حوزه زنان اتخاذ کرده است. ضرورت و اهمیت موضوع پژوهش از آن جهت است که سطح حکمرانی زنان و میزان مشارکت آن‌ها در اداره امور عمومی، ملی و محلی، همواره در طول تاریخ بشر، نسبت به مردان بسیار کمتر بوده است، اما در چند دهه اخیر و با تأسیس سازمان ملل و فعالیت مؤثر این نهاد در حمایت ویژه از زنان به‌منظور کاهش و از بین‌بردن نگرش نابرابرهای جنسیتی، سطح مشارکت سیاسی زنان در فرایند حکمرانی و همچنین حقوق سیاسی و اجتماعی آنان، تقویت و توسعه یافته است که این امر محصول اقدامات سازنده حقوق بشری سازمان ملل متحد بوده است؛ لذا تبیین جایگاه و نقش و تأثیر این سازمان در ارتقای حکمرانی زنان و حقوق بشری آنان، بسیار ضروری است. بر این مبنا، سؤال اساسی پژوهش این است که سازمان ملل متحد چگونه و چه نقش و تأثیری در ارتقای حکمرانی زنان تاکنون ایفاء کرده است؟ فرض بر این است که سازمان ملل با تدوین اسناد و معاهدات حقوق بشری (هنجاری)، ایجاد نهادهای حمایتی حقوق بشری مانند «نهاد زنان ملل متحد»، «کمیسیون مقام زن»، اتخاذ اقدامات عملیاتی و اجرایی در کشورهای عضو و با به‌کارگیری سازوکارهای نظارتی، کنترلی، پاسخگویی جنسیتی و تحلیل داده‌های آماری، نقش و تأثیر بسیار مؤثری در ارتقای سطح حکمرانی زنان و تقویت حقوق سیاسی و اجتماعی زنان داشته است.

بر این اساس و با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی، هدف اصلی پژوهش، بررسی و تحلیل چارچوب نظری و اقدامات عملی فعالیت سازمان ملل در قالب نهادهای اصلی و نهادهای تخصصی و زیرمجموعه به‌ویژه نهاد زنان ملل متحد در زمینهٔ چگونگی ارتقای سطح حکمرانی زنان و میزان توسعه مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان در کرسی‌های مدیریتی و نظام تصمیم‌سازی با تأکید بر فعالیت نهاد زنان ملل متحد است. سازماندهی پژوهش این‌گونه طراحی می‌شود: ابتدا مفهوم‌شناسی حکمرانی زنان و نقش و تأثیر سازمان ملل در ارتقای حکمرانی زنان، سپس پیشینه و چارچوب

نظری پژوهش و سرانجام، ابعاد نقش و تأثیر سازمان ملل در ارتقای سطح حکمرانی زنان بررسی و تحلیل می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. تعریف حکمرانی در حوزه زنان

مطابق با رویه سازمان ملل متحد، «نهاد زنان ملل متحد»[1] و «برنامه توسعه یا عمران ملل متحد»[2]، تعریف ترکیبی و تحلیلی از حکمرانی در حوزه زنان این‌گونه استخراج می‌شود: «نظامی از نهادها، فرایندها و هنجارها که در آن زنان به‌طور برابر در تمام سطوح تصمیم‌گیری مشارکت دارند (بعد مشارکتی)، نیازها، اولویت‌ها و منافع متفاوت آن‌ها به‌طور نظام‌مند در سیاست‌گذاری، بودجه‌ریزی، اجرا و نظارت لحاظ می‌شود و ساختارهای قدرت به‌گونه‌ای دگرگون می‌شود که برابری جنسیتی را به‌عنوان اصل بنیادین و هدف غایی حکمرانی به‌رسمیت بشناسد» (UN Women Asia-Pacific, 2026: 2). این تعریف بر پایه مفهوم حکمرانی توسط برنامه توسعه ملل متحد[3] استوار است که آن را چنین تعریف می‌کند: «اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری برای مدیریت امور یک کشور در تمام سطوح که شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی می‌شود که از طریق آن‌ها شهروندان و گروه‌ها منافع خود را بیان می‌کنند؛ حقوق قانونی خود را اعمال می‌کنند؛ به تعهدات خود عمل می‌کنند و اختلافات خود را حل و فصل می‌کنند» (OECD, 2026: 1). از این دیدگاه، حکمرانی هم عرصه عمومی و هم عرصه خصوصی را در بر می‌گیرد.

از این تعاریف، عناصر و مؤلفه‌های متعددی در مفهوم حکمرانی در حوزه زنان قابل استنتاج است که تمایز آن را از مفاهیم مشابهی همچون مشارکت سیاسی، برابری جنسیتی، توانمندسازی و حکمرانی پاسخگو به جنسیت روشن می‌کند؛ لذا حکمرانی در حوزه زنان: ۱. کل نظام حکمرانی را در بر می‌گیرد و فراتر از حضور در مناصب سیاسی، به دگرگونی نهادها، فرایندها و هنجارها می‌پردازد. ۲. به بازتعریف اولویت‌های سیاسی و تغییر بنیادین در چگونگی اعمال قدرت مرتبط است. ۳. به‌عنوان راهبرد و چارچوب عملیاتی به‌منظور تحقق برابری جنسیتی در عرصه حکمرانی تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، برابری جنسیتی مقصد را مشخص می‌کند، در حالی که حکمرانی در

1. UN Women
2. United Nations Development Programme (UNDP)
3. UNDP

حوزه زنان مسیر و سازوکارهای نهادی برای رسیدن به آن مقصد را تبیین می‌کند. ٤. بر ساختارهای نهادی و فرایندهای حکمرانی متمرکز، و نظام‌محور است؛ لذا با مفهوم توانمندسازی، که به زنان قدرت می‌دهد، متمایز است و نهادهایی را ایجاد می‌کند که این قدرت را به‌رسمیت بشناسد، تقویت کند و پایدار سازد. ۵. فراتر از پاسخگویی نهادها، بر دگرگونی ساختارهای قدرت و هنجارهای اجتماعی نیز تأکید می‌کند. در حالی که حکمرانی پاسخگو به جنسیت بر چگونگی عملکرد نهادها متمرکز است، اما حکمرانی در حوزه زنان بر چیستی خود نهادها و چگونگی بازتولید قدرت در آن‌ها نیز متمرکز است.

در مجموع، حکمرانی در حوزه زنان، جامع‌ترین مفهوم در میان مفاهیم مرتبط با جایگاه زنان در نظام‌های تصمیم‌گیری است. در حالی که مشارکت سیاسی بر «حضور» زنان، برابری جنسیتی بر «اصل» برابری، توانمندسازی بر «عاملیت» زنان، و حکمرانی پاسخگو به جنسیت بر «پاسخگویی» نهادها تأکید دارند، حکمرانی در حوزه زنان همه این ابعاد را در قالبی نظام‌مند و یکپارچه گرد هم می‌آورد و بر دگرگونی بنیادین ساختارهای قدرت، نهادها و هنجارها برای تحقق برابری جنسیتی به‌عنوان اصل بنیادین حکمرانی تأکید می‌کند.

۲.۱. «نقش» و «تأثیر» سازمان ملل در ارتقای حکمرانی در حوزه زنان

در زمینهٔ قلمرو موضوعی پژوهش باید عنوان کرد که «نقش» و «تأثیر» سازمان ملل در ارتقای حکمرانی در حوزه زنان، دو مفهوم متمایز، اما به‌هم پیوسته هستند که هر یک به جنبه متفاوتی از موضوع می‌پردازند. به‌منظور درک این تفاوت به لحاظ روش‌شناختی، مطالعات در حوزه نهادهای بین‌المللی، مانند سازمان ملل متحد، ضروری است.

«نقش» به وظایف، مأموریت‌ها، کارکردها و سازوکارهای نهادی اشاره می‌کند که کنشگری مانند نهاد زنان ملل متحد به‌عنوان بخشی از ساختار خود انجام می‌دهد. نقش بر چیستی و چگونگی اقدامات متمرکز است و به سؤالات گوناگونی پاسخ می‌دهد: به‌طور مثال، نهاد زنان ملل متحد، چه وظایفی بر عهده دارد؟ (مأموریت سه‌گانه: هنجاری، عملیاتی، هماهنگی)؛ چه سازوکارهایی برای انجام این وظایف به‌کار می‌گیرد؟ (تدوین استانداردها، حمایت فنی، تولید دانش، هماهنگی بین‌سازمانی)؛ چه ابزارهایی در اختیار دارد؟ (برنامه‌های اقدام ملی، بودجه‌ریزی پاسخگوی جنسیتی، سهمیه‌ها، برنامه‌های آموزشی)؛ چه کنش‌هایی از خود نشان می‌دهد؟ (حمایت‌گری، ظرفیت‌سازی،

نظارت، گزارش‌دهی). در واقع، «نقش»، وجه نهادی و فرایندی پژوهش را تشکیل می‌دهد و پایه و اساس تحلیل را فراهم می‌آورد.

اما، «تأثیر» به پیامدها، نتایج و تغییرات ملموس اشاره می‌کند که در اثر ایفای آن نقش‌ها در سطوح گوناگون (ملی، محلی، نهادی) به‌وجود آمده است. تأثیر بر پیامد و دستاورد متمرکز است و به سؤالاتی در زمینه تأثیر اقدامات عملی سازمان ملل متحد در حوزه حکمرانی زنان از این دست پاسخ می‌دهد: چه تغییراتی در حکمرانی زنان رخ داده است؟ (افزایش نمایندگی، بهبود پاسخگویی، تغییر هنجارها)؛ چه نتایج عینی و قابل سنجشی به‌دست آمده است؟ (افزایش سهم زنان در پارلمان‌ها، تصویب قوانین، کاهش خشونت)؛ آیا این تغییرات به‌واسطه اقدامات نهاد زنان ملل متحد بوده است؟ (نسبت‌دهی علّی)؛ چه چالش‌ها و شکاف‌هایی همچنان باقی مانده است؟ (عقب‌گردها، مقاومت‌ها، نابرابری‌های ساختاری)؛ لذا «تأثیر»، وجه نتیجه‌محور و ارزیابانه پژوهش را تشکیل می‌دهد و به پژوهشگر امکان می‌دهد تا موفقیت یا ناکامی کنش‌ها را مورد قضاوت قرار دهد.

در این ارتباط می‌توان به نمونه‌ای عینی، به نقش و تأثیر نهاد زنان ملل متحد به‌منظور ارتقای حکمرانی زنان در کشور عراق اشاره کرد.

الف) نقش: نهاد زنان ملل متحد با همکاری دولت عراق، چارچوب ملی مشارکت سیاسی زنان را تدوین و عملیاتی‌سازی کرد. این نهاد با ارائه راهنمایی راهبردی، استخدام کارشناسان فنی و آسان‌سازی مشورت‌ها با جامعه مدنی، به‌عنوان شریک فنی اصلی دولت ایفای نقش کرد؛ همچنین از طریق دو برنامه آموزش مربیان، ۱۱۰ مربی ملی را توانمندسازی کرد تا به زنان نامزد در سراسر استان‌های عراق دسترسی پیدا کنند (UN Women, 2026: Iraq).

ب) تأثیر: در نتیجه این اقدامات، عراق موفق شد سومین برنامه اقدام ملی خود را در مورد قطعنامه ۱۳۲۵ نهایی و راه‌اندازی کند. در منطقه کردستان عراق، برنامه اقدام منطقه‌ای زنان، صلح و امنیت (۲۰۳۰–۲۰۲۵) به تصویب رسید؛ همچنین، چارچوب ملی مشارکت سیاسی زنان به‌عنوان سکوی اصلی هماهنگی ملی، نشان‌دهنده گذار از حمایت موقت به یک معماری هماهنگی دولتی و ملی بود. اما، تأثیر بلندمدت این اقدامات بر افزایش واقعی مشارکت سیاسی زنان در انتخابات ۲۰۲۵، نیازمند ارزیابی‌های بعدی است (UN Women, 2026: Iraq).

ج) تبیین سازوکار علّی: سازوکار انتقال سیاست‌های بین‌المللی به نتایج ملی، فرایندی چندمرحله‌ای است: ۱. تدوین و تصویب هنجارهای بین‌المللی مانند قطعنامه ۳۲۵ شورای امنیت) ۲. ترجمه

هنجارها به سیاست‌های ملی از طریق برنامه‌های اقدام ملی و چارچوب‌های ملی ۳. اجرای سیاست‌ها در سطح ملی و محلی با حمایت فنی نهاد زنان ملل متحد ٤. پایش و ارزیابی از طریق گزارش‌های دوره‌ای و شاخص‌های توسعه پایادار. از آنجا که عوامل گوناگون دیگری مانند جنبش‌های داخلی زنان، توسعه اقتصادی، تغییرات فرهنگی نیز در ایجاد تغییرات نقش دارند؛ لذا این پژوهش با روش‌شناسی ترکیبی و با در نظر گرفتن عوامل مداخله‌گر، به تحلیل تأثیر می‌پردازد.

۲. پیشینه‌شناسی

پژوهش‌های گوناگونی مانند کتاب، مقاله و طرح پژوهشی در زمینهٔ حکمرانی در حوزه زنان تدوین شده است، اما از دید اقدامات سازمان ملل متحد دربارهٔ ارتقای وضعیت حکمرانی زنان به زبان فارسی پژوهش مستقلی انجام نشده است. در پژوهش‌های خارجی هم بیشتر به موضوع حکمرانی زنان پرداخته شده است، اما با رویکرد بررسی و تحلیل نقش و تأثیر اقدامات سازمان ملل متحد در حکمرانی زنان به‌ویژه از دید حقوق بشر، آثار علمی بسیار اندکی ازجمله گزارشات نهادهای حقوق بشری سازمان ملل یافت می‌شود و بیشتر توسط نهادهای زیرمجموعه یا همکار سازمان ملل متحد تدوین شده است. با وجود این به بررسی و ارزیابی برخی آثار علمی مرتبط پرداخته می‌شود.

۱. مقاله «نقش سازمان ملل متحد در تحقق برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان» (۲۰۲٦)، اثر رحمان و تیواری، به بررسی میزان موفقیت سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای در ایجاد هنجارها و استانداردهای قابل اجرای قانونی برای برابری جنسیتی می‌پردازد. نویسندگان، نقش منشور ملل متحد، مجمع عمومی، کمیسیون مقام زن، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، چهار کنفرانس جهانی زنان، برنامه عمل پکن، اهداف توسعه هزاره، و اهداف توسعه پایدار را در پیشبرد برابری جنسیتی تحلیل می‌کنند. نمایی کلی از هشت دهه تلاش سازمان ملل در حوزه جنسیت ارائه می‌دهد و با بررسی اسناد بنیادین از منشور ملل متحد، چارچوب مرجع منسجمی از اقدامات سازمان ملل در حوزه زنان را فراهم می‌آورد. اما تحلیل موضوع در سطح توصیفی باقی مانده است و به نقد ساختاری یا بررسی شکاف بین هنجار و اجرا نمی‌پردازد و هیچ اشاره‌ای به ادبیات انتقادی نشده است که محدودیت‌های رویکرد نهادی ـ هنجاری سازمان ملل را آشکار می‌سازد.

۲. مقاله کالی با عنوان «احترام دولت به حقوق جنسیتی: تأثیر کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان بر دستاوردهای حقوق زنان، ۱۹۸۱–۲۰۰٤» (۲۰۱۳) به‌طور میدانی به برابری جنسیتی و حقوق

زنان پرداخته است. این مطالعه نشان می‌دهد که کنوانسیون تأثیر مثبت قوی بر حقوق سیاسی زنان، بدون تأثیر بر حقوق اقتصادی و تأثیر تا حدی منفی بر حقوق اجتماعی داشته است. در حوزه سیاسی، کنوانسیون، سهم زنان در پارلمان‌های ملی را افزایش داده، اما هیچ تأثیری بر احتمال تصویب سهمیه‌های قانونی نداشته است.

۳. مقاله «سیاست شواهد در حکمرانی بین‌المللی: نهاد زنان سازمان ملل و مشارکت زنان در فرایندهای صلح» با نگارش توسط اولجینیکووا و همکاران (۲۰۲٦): این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه کارشناسان جنسیت و کنشگران گوناگون، شواهد را به‌طور راهبردی برای حمایت از مشارکت زنان در فرایندهای صلح به‌کار می‌گیرند. نویسندگان با تحلیل اسناد کلیدی سازمان ملل و ملی، نشان می‌دهند که عدم توازن معناداری بین برجستگی سیاسی ادعای «مشارکت زنان دوام صلح را تقویت می‌کند.» و استحکام شواهد پشتیبان آن وجود دارد. آن‌ها استدلال می‌کنند که این عدم توازن ناشی از رقابت سیاسی و نهادی داخلی برای مشروعیت تخصص جنسیتی در نهادهای بین‌المللی است که نیاز به چارچوب‌بندی ابزاری و فنی سیاست‌ها و برنامه‌های جنسیتی را ایجاد می‌کند. مقاله نشان می‌دهد که سازمان‌های بین‌المللی با ارائه سیاست‌های خود به‌عنوان «مبتنی بر شواهد» و «عقلانی»، مشروعیت سیاسی و معرفتی خود را مشروعیت می‌بخشند. این یک آسیب‌شناسی مهم از عملکرد نهاد زنان ملل متحد ارائه می‌دهد، اما با تمرکز بر عملکرد این نهاد و نقش دیگر نهادهای ملل متحد مانند برنامه عمران ملل متحد و کمیسیون مقام زن را نادیده می‌گیرد.

٤. مقاله «درگیری فمینیستی نهاد زنان ملل متحد با حکمرانی از طریق شاخص‌ها در MDGs و SDGs» (۲۰۲۰) با نویسندگی تیلور: وی با استفاده از چارچوب «حکمرانی از طریق شاخص‌ها» ، به بررسی نقد فمینیست نهاد زنان ملل متحد از سنجش و تولید دانش در چارچوب توسعه هزاره (MDGs) و اهداف توسعه پایدار (SDGs) می‌پردازد. او استدلال می‌کند که شاخص‌ها بسته به میزان «مرئی‌سازی» دغدغه‌های جنسیتی، می‌توانند به پیشرفت یا مانع‌تراشی برای برابری جنسیتی منجر شوند. مقاله همچنین فضاهای منازعه را شناسایی می‌کند که در آن کنشگران سیاستی می‌توانند درباره شاخص‌ها بحث کنند و معنا را بازشکل دهند. نقطه قوت مقاله، با چارچوب نظری نوآورانه، چگونگی حکمرانی از طریق «شاخص‌ها» در چارچوبی قدرتمند برای درک سیاست‌های جهانی را ارائه می‌دهد و به‌طور ویژه به تنش بین نقد فمینیستی دانش کمی و استقبال فمینیستی از راه‌های متعدد دانستن می‌پردازد؛ همچنین با تمرکز بر نقش نهاد زنان ملل متحد به‌عنوان کنشگر انتقادی،

نشان می‌دهد که این نهاد تنها مجری شاخص‌ها نیست، بلکه در فضاهای منازعه برای بازتعریف معنا و اولویت‌های سنجش مشارکت می‌کند، اما تمرکز محدودی بر شاخص‌ها دارد و دیگر ابعاد حکمرانی نهاد زنان ملل متحد مانند برنامه‌های میدانی یا حمایت‌گری سیاسی را در نظر نمی‌گیرد.

در مجموع، پژوهش‌های هنجاری (رحمان و تیواری) بر دستاوردهای نهادی و هنجاری سازمان ملل تأکید می‌کنند، اما از تحلیل ساختاری محدودیت‌ها و شکاف‌ها غافل می‌مانند. پژوهش‌های انتقادی (تیلور یا کالی) با کالبدشکافی سیاست‌های دانش، قدرت و هویت در درون نهادهای سازمان ملل، تصویری پیچیده‌تر از مصادره و سیاست‌زدایی از اهداف فمینیستی ارائه می‌دهند.

۳. چارچوب نظری

چارچوب نظری حاکم بر نقش سازمان ملل متحد در ارتقای حکمرانی زنان، موضعی چندبعدی است که در طول هشت دهه تکامل و در اسناد بنیادین، ساختار نهادی و برنامه‌های عملیاتی این سازمان تجلی یافته است؛ بنابراین، ارتقای حکمرانی در حوزه زنان، فرایندی پیچیده از کنش‌های هنجاری، نهادی و سیاسی است که در آن هنجارهای بین‌المللی از طریق نهادهای میانجی مانند نهاد زنان ملل متحد به سیاست‌های ملی ترجمه شده است و سرانجام پیامدهای ملموس را در سطوح گوناگون حکمرانی به‌بار می‌آورند؛ لذا در چارچوب نظری، با بهره‌گیری از چهار رویکرد تحلیلی به‌هم پیوسته، تلاش می‌شود تا نظریه‌ای منسجم برای تبیین این فرایند تحول ارائه شود.

۱.۳. رویکرد هنجاری ــ سازه‌انگارانه[1]

این رویکرد در روابط بین‌الملل (Wendt, 1999: 1) بر نقش هنجارها، هویت‌ها و ایده‌ها در شکل‌دهی به رفتار کنشگران تأکید می‌کند. (Williams, et al, 2025: 107) در این چارچوب، هنجارهای بین‌المللی به‌عنوان «انتظارات مشترک[2] از رفتار مناسب» (Finnemore, 1996: 22) تعریف می‌شود که «هویت و منافع کنشگران را بازتعریف می‌کند. (Finnemore & Sikkink, 1998: 891) به عبارت دیگر، در این تعریف هنجارها، انتظارات مشترک هستند، نه باورهای خصوصی و اینکه این انتظارات جنبه رفتاری[3] دارند که بر رفتار کنشگران دلالت دارند. دلالت‌های گوناگونی برای این رهیافت وجود دارد.

1. Constructivism
2. Shared Expectations
3. Behavioral

الف) قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت به‌مثابه گسست هنجاری: قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت در سال ۲۰۰۰ (United Nations, Security Council, 2000: S/RES/1325, part 1 & 2) را باید به‌مثابه یک «گسست هنجاری»[1] در نظام بین‌الملل در نظر گرفت. این قطعنامه برای نخستین بار، مشارکت کامل و برابر زنان در تمام مراحل حل منازعه را به‌عنوان یک الزام حقوقی و نه تنها توصیه‌ای سیاستی به‌رسمیت شناخت و از این طریق، هنجار جدیدی را در عرصه صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد کرد. این هنجار، که با ائتلافی از کنشگران جامعه مدنی و دولت‌های عضو حمایت‌گر به تصویب رسید، نقطه عطفی برای مدافعان برابری جنسیتی در سطح بین‌المللی به‌شمار می‌رود.

ب) چرخه حیات هنجارها:[2] بر اساس الگوی کلاسیک چرخه حیات هنجارها در ادبیات سازه‌انگاری، هنجارهای بین‌المللی سه مرحله را طی می‌کنند: ظهور هنجار، آبشار هنجاری و نهادینگی (Finnemore & Sikkink, 1998: 895). در حوزه حکمرانی زنان، کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان و اعلامیه پکن (۱۹۹۵)[3] نمایانگر مرحله ظهور هنجارهای برابری جنسیتی است. قطعنامه ۱۳۲۵ و قطعنامه‌های بعد از آن، این هنجار را وارد مرحله آبشار هنجاری کردند؛ جایی که دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی آن را به‌عنوان هنجاری مشروع و الزام‌آور پذیرفتند. با وجود این، استحکام هر هنجار بین‌المللی نه‌تنها به میزان پذیرش آن توسط دولت‌ها، بلکه به کیفیت اجرا و نهادینگی آن در سطوح ملی و محلی نیز بستگی دارد. به عبارت دیگر، هنجارهای برابری جنسیتی برای عبور از مرحله آبشار هنجاری به مرحله نهادینگی کامل، نیازمند ترجمه مؤثر به سیاست‌ها و رویه‌های ملی هستند.

ج) جهانی‌سازی، بومی‌سازی و مقاومت در برابر هنجار: فرایند انتقال هنجارهای بین‌المللی به سطوح ملی، هرگز بدون چالش نیست. پژوهش‌های تجربی نشان داده است که «ترجمه قطعنامه ۱۳۲۵ به بافت‌های محلی» (Aharoni, 2014: 2) با چالش‌های قابل توجهی همراه است (Doeland & Skjelsbaek, 2018: 996). کنشگران محلی با هنجارهای جهانی به‌صورت انتخابی برخورد می‌کنند و از آن‌ها برای دفاع از اولویت‌های محلی بهره می‌گیرند. «این پدیده که بومی‌سازی

1. Normative rupture
2. Norm life cycle
3. Beijing Platform for Action (1995)

هنجارها[1] نامیده می‌شود» (Acharya, 2004: 244)، نشان می‌دهد که هنجارهای جهانی در فرایند ترجمه، دستخوش تغییر و بازتفسیر می‌شود.

۲.۳. رویکرد نهادگرایی فمینیستی[2] نهاد زنان ملل متحد به عنوان نهاد میانجی

اگر رویکرد سازه‌انگاری به چیستی و چرایی هنجارها می‌پردازد، رهیافت نهادگرایی فمینیستی به چگونگی عملکرد نهادها در شکل‌دهی، انتقال و اجرای این هنجارها توجه می‌کند. «نهادگرایی فمینیستی به‌دنبال درک و تبیین چگونگی توزیع قدرت در درون نهادها است. نهادگرایی فمینیستی به‌عنوان پروژه‌ای سیاسی، به‌دنبال برهم زدن توافقات قدرت در درون نهادها و تسهیل تغییر از طریق شناسایی و به چالش‌کشیدن موانع نهادی است که نابرابری‌های جنسیتی و دیگر اشکال تبعیض را تداوم می‌بخشند» (Holmes, 2026: 175-194). در این راستا، فعالیت‌های نهاد زنان ملل متحد تجلی‌بخش این رهیافت تلقی می‌شود.

الف) نهاد زنان ملل متحد به‌منزله «ابرنهاد»:[3] نهاد زنان ملل متحد که در سال ۲۰۱۱/۲۰۱۰ با ادغام چهار نهاد پیشین تأسیس شد، به‌عنوان ابرنهادی برای حقوق زنان با مأموریتی بلندپروازانه توصیف شده است. در این زمینه، پژوهش‌های نهادگرایانه نشان داده است که این نهاد نوپا از همان ابتدا با «میراث‌های قدرتمند نهادی پیامدهای ناخواسته تصمیم‌گیری‌های طراحی و هنجارهای نهادی گسترده‌تر روبه‌رو بوده است که ظرفیت آن را محدود و مهار می‌کند. میراث‌های نهادی عبارت است از: ساختارهای بوروکراتیک پیشین، فرهنگ‌های سازمانی تثبیت‌شده، الگوهای تخصیص بودجه و روابط قدرت موجود در نظام ملل متحد. این عوامل، نهاد زنان ملل متحد را در موقعیتی قرار می‌دهد که همواره باید بین مأموریت تحول‌آفرین خود از یک سو و محدودیت‌های ساختاری نظام ملل متحد ازسوی دیگر، تعادل برقرار کند (European Consortium for Political Research, 2026: 1).

ب) مأموریت سه‌گانه: نهاد زنان ملل متحد با مأموریت سه‌گانه خود، یعنی الف) عملکرد هنجاری (تدوین استانداردهای جهانی)، ب) عملکرد عملیاتی (اجرای برنامه‌ها در سطح کشورها)، ج) عملکرد هماهنگی (هماهنگی نظام ملل متحد در زمینه برابری جنسیتی)، به‌عنوان نهاد میانجی کلیدی در زنجیره تحول از هنجار به پیامد عمل می‌کند. برنامه راهبردی ۲۰۲۶–۲۰۲۹ ، مأموریت هماهنگی این

1. Norm localization
2. Feminist Institutionalism
3. Superagency

نهاد را به‌عنوان محرکی برای کارایی و اثربخشی سراسر نظام ملل متحد در زمینه برابری جنسیتی تقویت می‌کند و اجرای یکپارچه‌تر مأموریت سه‌گانه را آسان می‌کند. این تقویت، نشان‌دهنده آگاهی نهادی از این نکته است که تأثیرگذاری نهاد زنان ملل متحد در گرو توانایی آن در هماهنگ‌سازی اقدامات دیگر نهادهای سازمان ملل و ایجاد انسجام در سراسر نظام بین‌المللی است (UN Women, 2025).

ج) چارچوب هنجارهای اجتماعی: جدیدترین چارچوب نظری نهاد زنان ملل متحد که در گزارش «ایدئولوژی‌ها، نهادها و قدرت: مقابله با هنجارهای اجتماعی تبعیض‌آمیز» (UN Women, 2026) در مارس ۲۰۲۶ منتشر شده است، تغییری پارادایمی در رویکرد به هنجارهای اجتماعی ایجاد می‌کند. ایده بزرگ این چارچوب، «بازتعریف هنجارهای اجتماعی به‌عنوان پدیده‌های نهادی به‌جای پدیده‌های نگرشی است. رویکرد غالب در توسعه بین‌المللی، مشکل را به‌عنوان مسئله‌ای از نگرش‌ها و رفتارها چارچوب‌بندی کرده است: افراد باورهای تبعیض‌آمیز دارند و راه تغییر آن‌ها، آگاهی‌بخشی و برنامه‌های تغییر رفتار فردی است. این رویکرد بیشتر شکست خورده است و دلیل آن ساختاری است. با تمرکز بر افراد عادی، اغلب حاشیه‌نشین‌ترین اعضای جوامع، مداخلات به‌طور سیستماتیک توجه را از نهادها و کنشگران قدرتمندی منحرف کرده است که در عمل هنجارهای تبعیض‌آمیز را تولید و حفظ می‌کنند. این چارچوب، هنجارهای اجتماعی را در قواعد، رویه‌ها و روایت‌های دولت، بازار، جامعه، خانواده و دین» جاسازی‌شده می‌داند» (Green, 2026: 1-2). پیامد عملی این رویکرد آن است که مداخلات باید پارلمان‌ها، دادگاه‌ها، کارفرمایان، نهادهای دینی و سازمان‌های رسانه‌ای، نه صرفاً تغییرات فردی، را هدف قرار دهند.

۳.۳. رویکرد تغییر چندسطحی[1]

نظریه تغییر چندسطحی به‌عنوان زنجیره تحول از هنجار تا پیامد، چارچوبی تحلیلی برای شناسایی و ارزیابی ابعاد گوناگون تغییر در فرایند ارتقای حکمرانی زنان فراهم می‌آورد. چنین رهیافتی با تأثیر از گزارش مشترک نهاد زنان ملل متحد و برنامه عمران ملل متحد در سال ۲۰۲٤ در زمینهٔ بهبود وضعیت برابری جنسیتی در حمایت از زنان شکل گرفته است و می‌توان «سه سطح تحلیلی از تغییر را شناسایی کرد که محیط توانمندساز برای بهبودهای دگرگون‌کننده در ارتقای حکمرانی زنان شکل می‌دهند: اجتماعی، حقوقی و سیاسی» (UN Women/UNDP, 2024).

1. Multi-Level Change Framework

الف) سطح اجتماعی: در سطح اجتماعی، تغییر از راه دگرگونی هنجارهای اجتماعی تبعیض‌آمیز و تقویت عاملیت زنان و جامعه مدنی محقق می‌شود. جامعه مدنی به‌عنوان فضایی سیاسی رفتار می‌کند که در آن دستور کار زنان از طریق طیفی از راهبردها پیشرفت می‌کند که محدودیت‌های اجتماعی ـ فرهنگی و اجتماعی ـ سیاسی را به‌چالش می‌کشند. جامعه مدنی فضایی مهم برای زنان برای پیشبرد تغییر سیاسی از پایین به بالا از طریق بسیج اجتماعی مردمی بوده است.

ب) سطح حقوقی: در این سطح، تغییر از طریق اصلاحات در قوانین و چارچوب‌های نظارتی‌ای محقق می‌شود که محیط مساعدی برای مشارکت سیاسی زنان فراهم می‌آورند. به‌عنوان مثال، معرفی نظام‌های سهمیه‌بندی در مجالس قانون‌گذاری، فهرست‌های حزبی، پست‌های کابینه و بوروکراسی‌ها از مصداق‌های آشکار این سطح است. اما، صرف دستیابی به اهداف عددی برای ایجاد تغییرات بنیادین کافی نیست و نیاز به اقدامات تکمیلی برای تضمین اجرای کامل قوانین وجود دارد.

ج) سطح سیاسی: در این سطح، تغییر از طریق دگرگونی در پویایی‌های قدرت، پاسخ‌خواهی نهادها و مشارکت فعال زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری سیاسی محقق می‌شود. این سطح به توانایی زنان برای مشارکت برابر با مردان، در تمام سطوح و در تمام جنبه‌های حیات سیاسی و تصمیم‌گیری اشاره می‌کند.

در واقع، تغییر در هر یک از این سه سطح، بر سطوح دیگر تأثیر می‌گذارد و تغییرات در سطوح اجتماعی، حقوقی و سیاسی به طور هم‌زمان و تعاملی عمل می‌کنند. به‌عنوان مثال، تغییر هنجارهای اجتماعی (سطح اجتماعی) می‌تواند بستر را برای اصلاحات قانونی (سطح حقوقی) فراهم آورد و اصلاحات قانونی می‌تواند به‌نوبه خود، پویایی‌های قدرت را در سطح سیاسی دگرگون سازد.

بر اساس رهیافت نظری تغییر چند سطحی، سازمان ملل، حکمرانی زنان را در چارچوب مشارکت آن‌ها در فرایند زمامداری، تصمیم‌سازی و مدیریت امور عمومی در چهار سطح بررسی و تحلیل می‌کند که هر یک، ریشه در هنجارها، رویه‌ها، اسناد و چارچوب‌های مشخصی از فعالیت حقوق بشری سازمان ملل دارد.

سطح اول: مشارکت در نهادهای ملی (پارلمان‌ها، دولت‌ها و قوه قضائیه): این سطح بر نمایندگی سیاسی زنان در بالاترین نهادهای تصمیم‌گیر ملی تأکید می‌کند. بر اساس بند ۱۸۱ «برنامه اقدام پکن» (۱۹۹۵)، زنان در مناصب سیاسی و تصمیم‌گیری در دولت‌ها و نهادهای قانون‌گذاری به بازتعریف اولویت‌های سیاسی کمک می‌کنند (UN Women, 1995: part 181)؛ همچنین، کنوانسیون رفع

هرگونه تبعیض علیه زنان در ماده ۷، «دولت‌ها را ملزم به تضمین حق مشارکت زنان در حیات سیاسی و عمومی کشور می‌کند».

سطح دوم: مشارکت در نهادهای محلی (شوراهای شهرداری و دولت‌های محلی): این سطح بر حضور زنان در سطوح محلی تصمیم‌گیری تأکید می‌کند. شاخص b.5.5.1 اهداف توسعه پایدار نهاد زنان ملل متحد که متولی آن است، «نسبت کرسی‌های اشغال‌شده توسط زنان در دولت‌های محلی» (United Nations, 2015, A/RES/70/1) را اندازه‌گیری می‌کند؛ همچنین، برنامه اقدام پکن بر ضرورت مشارکت زنان در ساختارها و سازوکارهای محلی تأکید می‌کند.

سطح سوم: مشارکت در نهادهای بین‌المللی (سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی): این سطح بر نمایندگی زنان در نهادهای جهانی تمرکز دارد. ماده ۸ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان «دولت‌ها را موظف به تضمین فرصت برابر برای نمایندگی زنان در سطح بین‌المللی می‌کند»؛ همچنین، قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت (۲۰۰۰) خواستار «افزایش نمایندگی زنان در تمام سطوح تصمیم‌گیری در نهادهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی» (United Nations, Security Council, 2000: S/RES/1325, part 1) شده است.

سطح چهارم: مشارکت در فرایندهای صلح (مذاکرات، میانجی‌گری و بازسازی پس از منازعه): این سطح، کانون مرکزی «دستور کار زنان، صلح و امنیت» (WPS)[1] را تشکیل می‌دهد. قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت بر «مشارکت کامل، برابر و معنادار زنان در تمام مراحل فرایندهای صلح و امنیت، ازجمله مذاکره، پیشگیری از منازعه، حکمرانی انتقالی و بازسازی» (United Nations, Security Council, 2000: S/RES/1325, part 1 & 2) تأکید می‌کند. اقدامات حمایتی سازمان ملل نشان می‌دهد که توافقات صلح زمانی پایدارتر است که زنان در آن مشارکت داشته باشند.

پذیرش چنین رهیافتی در رویه سازمان ملل متحد، چهار دستاورد اساسی را برای نهادینه‌سازی حکمرانی در حوزه زنان به‌همراه داشته است که در مواد ٤، ۷، ۸ و ١٤ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان تبیین شده است: ۱. حق رأی و انتخاب‌شدن: ماده ۷(الف) دولت‌ها را به تضمین حق رأی‌دادن و انتخاب‌شدن زنان در تمامی انتخابات ملزم می‌کند. ۲. حق مشارکت در تدوین و اجرای سیاست: ماده ۷(ب) بر حق مشارکت زنان در تدوین سیاست‌های دولت و تصدی مناصب عمومی در تمام سطوح تأکید می‌کند. ۳. حق مشارکت در سازمان‌های غیر دولتی: ماده ۷(ج) حق

1. Women, Peace and Security Agenda (WPS)

مشارکت زنان در سازمان‌های غیر دولتی مرتبط با حیات عمومی را به‌رسمیت می‌شناسد. ٤. حق نمایندگی در سطح بین‌المللی: ماده ۸ دولت‌ها را موظف به تضمین فرصت برابر برای نمایندگی زنان در سطح بین‌المللی می‌کند.

۴.۳. حکمرانی زنان به‌مثابه حق بشری[1]

در چارچوب نظری فعالیت سازمان ملل، مشارکت زنان در حکمرانی نه‌تنها ابزاری برای کارایی نهادها است، بلکه حقی بنیادین است. مشارکت زنان در تصمیم‌گیری، حق بشری و هدف توسعه‌ای به‌شمار می‌رود. این حق در اسناد متعدد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲۱)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۲۵) و کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان (مواد ۷ و ۸) بآشکارا به‌رسمیت شناخته شده است. «شواهد قاطعی هست که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در زمینهٔ حکمرانی زنان، موثرترین راه برای ارتقای جوامع، شرکت‌ها و کشورها است. مشارکت زنان، توافق‌نامه‌های صلح را قوی‌تر، جوامع را مقاوم‌تر و اقتصادها را پویاتر می‌کند و به همین دلیل است که توانمندسازی زنان و دختران در قلب دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰ قرار دارد» (Guterres, Un Secretary-General, 2018: 2). حکمرانی در حوزه زنان، از دید حقوق بشر، فراتر از الزام سیاسی یا ابزار توسعه، حقی بنیادین و تعهدی الزام‌آور برای دولت‌ها به‌شمار می‌رود که ریشه در اسناد بین‌المللی حقوق بشری دارد. در واقع، نظام حقوق بشر، مشارکت برابر زنان در حکمرانی و تصمیم‌گیری را نه به‌عنوان امتیاز یا ابزار کارآمدی، بلکه به‌عنوان جزئی جدانشدنی از کرامت انسانی و پیش‌شرط تحقق دیگر حقوق بشر به‌رسمیت شناخته است. در مجموع، از دید حقوق بشر، مشارکت زنان در حکمرانی: ۱. حقی فی‌نفسه است که ریشه در کرامت انسانی دارد. ۲. پیش‌شرط تحقق دیگر حقوق بشر ازجمله حق بر توسعه، حق بر سلامت و حق بر آموزش به‌شمار می‌رود. ۳. ابزاری برای پاسخ‌خواهی دولت‌ها در برابر تعهدات حقوق بشری خود است.

از بررسی رهیافت‌ها و رویکردهای نظری و توجیهی نهادینه‌سازی حکمرانی زنان در بستر اقدامات سازمان ملل متحد، چارچوبی یکپارچه استخراج می‌شود که به سبب آن امکان تحلیل منطقی از نقش و تأثیر سازمان ملل متحد و به‌ویژه نهاد زنان ملل متحد را فراهم می‌آورد، به‌گونه‌ای که هم بر دستاوردهای هنجاری و نهادی این نهاد توجه دارد و هم به محدودیت‌ها، تنش‌ها و شکاف‌های ساختاری موجود در رویکردهای آن تأکید شود. به عبارت دیگر، این چارچوب نه تنها به پرسش از

1. Human Rights Foundation

«چه‌کاری انجام شده است؟» می‌پردازد، بلکه به پرسش از «چگونه، تحت چه شرایطی و برای چه کسانی» این اقدامات مؤثر بوده است، پاسخ و درک عمیق‌تری از فرایند پیچیده تغییر در عرصه حکمرانی جهانی در حوزه زنان ارائه می‌کند. همان‌گونه که نهاد زنان ملل متحد در جدیدترین چارچوب نظری خود (۲۰۲٦) تأکید کرده است، تغییر هنجارهای اجتماعی تبعیض‌آمیز نیازمند ترکیب سه مسیر به‌هم‌پیوسته است: تغییر روایت‌ها، تغییر شرایط مادی، و تقویت قدرت متقابل (UN Women, 2026). این سه مسیر، دقیقاً همان زنجیره تحولی را ترسیم می‌کنند که در این چارچوب نظری، از هنجارهای بین‌المللی تا پیامدهای حکمرانی زنان، قابل تبیین و تحلیل است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش رویکردی نظام‌مند و نظری برای جمع‌آوری و ارزیابی داده‌ها در طول فرایند پژوهش است. (عالی و همکاران، ۱٤۰۳: ۳۳) روش‌شناسی این پژوهش بر اساس ارزیابی موضوعی سازمانی سازمان ملل متحد با میانجی نهاد زنان ملل متحد طراحی شده است که در اسناد رسمی این نهاد، به‌عنوان چارچوب استاندارد و معتبر برای سنجش نقش و تأثیر برنامه‌های مشارکت سیاسی زنان معرفی شده است. این پژوهش از طراحی ترکیبی استفاده می‌کند که ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی را برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌کار می‌گیرد که درک عمیق‌تری از چگونگی تعامل موانع ساختاری، نهادی و اجتماعی ـ فرهنگی در شکل‌دهی به حکمرانی زنان ارائه می‌دهد. ارزیابی موضوع بر اساس مطالعات کیفی با هدف کاربردی انجام می‌شود. روش پژوهش، از نوع توصیفی ـ تحلیلی است. در بخش توصیفی، اسناد و معاهدات بین‌المللی، گزارش‌های رسمی سازمان ملل و نهاد زنان ملل متحد و داده‌های آماری شاخص‌های توسعه پایدار توصیف و دسته‌بندی می‌شود. در بخش تحلیلی، سازوکارهای علّی انتقال هنجارهای بین‌المللی به سیاست‌های ملی و پیامدهای حکمرانی زنان در کشورهای مورد مطالعه تحلیل می‌شود. معیار انتخاب اسناد شامل اعتبار حقوقی (معاهدات، قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت)، اعتبار نهادی (اسناد وگزارشات رسمی زنان ملل متحد، برنامه عمران ملل متحد، شورای امنیت) و اعتبار علمی و کتاب‌های معتبر است. جامعه آماری نیز، محدود به توصیف و بررسی کنوانسیون‌ها، معاهدات، قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، دستورالعمل‌ها، توصیه‌ها و رویه‌های سازمان ملل متحد و ارکان اصلی سازمان مانند شورای امنیت و همچنین نهادهای تخصصی زیرمجموعه آن مانند نهاد زنان ملل متحد و کمیسیون مقام زن است؛

همچنین نمونه کشورهایی که طرح تقویت حکمرانی زنان توسط سازمان ملل در آن‌ها اجرا شده است مورد مطالعه قرار می‌گیرد. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات پژوهش، با مراجعه به اسناد اینترنتی، کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد و رویه‌ها و گزارشاشات سازمان ملل متحد و نهادهای مرتبط با آن در حوزه حکمرانی زنان و چگونگی ارتقای سطوح مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی انجام شده است.

واحد تحلیل در این پژوهش، کشور ـ برنامه به‌عنوان مورد (Case) در نظر گرفته می‌شود که در آن، نقش زنان ملل متحد (متغیر مستقل) و پیامدهای حکمرانی زنان (متغیر وابسته) مورد بررسی قرار می‌گیرد. معیارهای انتخاب کشورهای مورد مطالعه بر اساس گونه‌گونی الگوهای مداخله، سطح مشارکت سیاسی زنان، سطح مداخله نهادهای سازمان ملل متحد همچون نهاد زنان ملل متحد، وجود داده‌های قابل استناد، گونه‌گونی جغرافیایی و بستر سیاسی (پس از منازعه، در حال توسعه، با ثبات) صورت گرفته است. هر کشور نماینده یکی از الگوهای مداخله نهاد زنان ملل متحد در ارتقای حکمرانی زنان به‌شمار می‌رود.

۱. عراق: مداخله در سطح ملی و چارچوب‌های نهادی (دستاورد: افزایش نمایندگی زنان در پارلمان از ۲۵٪ (۲۰۱۸) به ۲۹٪ (۲۰۲۱) و تدوین و عملیاتی‌سازی چارچوب ملی مشارکت سیاسی زنان با حمایت فنی). علت انتخاب کشور عراق این است که این کشور نمونه‌ای از مداخله نهادساز نهاد زنان ملل متحد در سطح ملی در قالب نهادسازی ملی و با معیار گذار از حمایت موقت به معماری هماهنگی دولتی است. در عراق با همکاری نهادهای کلیدی دولت ازجمله دبیرخانه ملی امور زنان عراق، شورای عالی امور زنان و توسعه و کمیته عالی حمایت از زنان در انتخابات، نقش محوری در ایجاد معماری هماهنگی دولتی و ملی برای مشارکت سیاسی زنان ایفا کرده است. این کشور نشان‌دهنده گذار از حمایت موقت به نهادسازی پایدار در حوزه حکمرانی زنان است.

۲. اردن: مداخله در سطح قانونی و پویش‌های آگاهی‌بخشی (یافته‌ها: افزایش نمایندگی زنان در پارلمان از ۱۳/۸٪ به ۱۹/۵٪ در انتخابات ۲۰۲٤، فراتر از میانگین منطقه‌ای ۱۷/۹٪). اردن به‌عنوان نمونه‌ای از مداخله قانونی و پویش‌های آگاهی‌بخشی فراگیر انتخاب شده است. در اردن با حمایت از اصلاحات قانونی (قانون انتخابات ۲۰۲۲، قانون احزاب سیاسی ۲۰۲۲) و اجرای پویش ملی «مسئولیت مشترک ما» که بیش از پنج میلیون نفر را تحت تأثیر قرار داد، نقش کلیدی در ایجاد محیط

مساعد برای مشارکت سیاسی زنان ایفا کرده است. این کشور نشان‌دهنده تأثیر ترکیب اصلاحات قانونی و بسیج اجتماعی در ارتقای حکمرانی زنان است.

۳. لبنان: مداخله در سطح محلی و توانمندسازی نامزدها صورت گرفته است که به دو برابرشدن نمایندگی زنان در شوراهای شهرداری از ٥/٤٪ (۲۰۱٦) به ۱۰/۳۷٪ (۲۰۲٥) و پیروزی ۱۸ زن از ۲۲ نامزد حمایت‌شده توسط نهاد زنان ملل متحد منجر شده است. در واقع، لبنان به‌عنوان نمونه‌ای از مداخله محلی و توانمندسازی مستقیم نامزدها انتخاب شده است و نهاد زنان ملل متحد با بهره‌گیری از فضای سیاسی مثبت پس از انتخاب رئیس جمهور جدید در ژانویه ۲۰۲٥، برنامه‌های عملیاتی را برای افزایش مشارکت زنان در انتخابات شهرداری‌ها به اجرا گذاشت. این کشور نشان‌دهنده تأثیر سرمایه‌گذاری هدفمند در توانمندسازی نامزدهای زن (٤٤۳ زن نامزد آموزش‌دیده) و ارتباط با رسانه ملی برای پوشش عادلانه جنسیتی است.

٤. بنگلادش: توانمندسازی جامعه‌محور به‌عنوان یکی از نمونه‌های عینی مداخلات گسترده حمایتی نهاد زنان ملل متحد در حوزه حکمرانی زنان با الگوی تغییر هنجارهای اجتماعی و معیار توانمندسازی جامعه‌محور است که آن را به نمونه‌ای جامع برای مطالعه تبدیل کرده است، ازجمله برنامه‌های حکمرانی پاسخ‌گوی جنسیتی، مشارکت سیاسی زنان، صلح‌سازی و تاب‌آوری، تغییر هنجارهای اجتماعی و پژوهش و تولید دانش در حوزه زنان.

تحلیل داده‌ها بر اساس سه مرحله انجام می‌شود: ۱. تحلیل محتوای اسناد برای استخراج تعهدات هنجاری و برنامه‌های عملیاتی ۲. تحلیل داده‌های آماری برای سنجش پیامدها بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار ۳. تحلیل تطبیقی برای شناسایی الگوهای مشترک و تفاوت‌ها میان کشورهای مورد مطالعه

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

ابعاد نقش و تأثیر سازمان ملل متحد در ارتقای حکمرانی زنان

بررسی و تحلیل نقش سازمان ملل در حوزه حقوق سیاسی و همچنین حکمرانی زنان در سطوح گوناگون بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و محلی، نیازمند توجه به ابعاد چندگانه هنجاری، ساختاری ـ نهادی، عملیاتی و نظارتی است.

۱.۵. بعد هنجاری

بنیان‌های حقوقی حکمرانی زنان در بستر رویه و عملکرد سازمان ملل متحد به‌عنوان بعد هنجاری، را می‌توان در اسناد و متون بین‌المللی گوناگونی جستجو کرد. به عبارت دیگر، نقش سازمان ملل در

حکمرانی زنان، نخست بر مجموعه‌ای از اسناد هنجاری استوار است که مرزهای تعهدات حقوقی و سیاستی دولت‌ها را ترسیم می‌کند. این اسناد به‌عنوان «بنیان‌های هنجاری»[1] عملکرد نهادهای سازمان ملل به‌ویژه نهاد زنان ملل متحد شناخته می‌شود و شرایط لازم و اقدامات کلیدی مورد نیاز برای تحقق برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران را ترسیم می‌کند.

۱.۱.۵. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)

نقطه آغازین نقش سازمان ملل در حکمرانی زنان، تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹٤۸ است. ماده ۲ این اعلامیه، اصل عدم تبعیض ازجمله تبعیض جنسیتی را بنیان نهاده، و ماده ۲۱ حق مشارکت در اداره امور عمومی کشور را به‌رسمیت شناخته است. این اصول در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹٦٦) به‌ویژه مواد ۲، ۳، ۲۵ و ۲٦، تعهدات حقوقی الزام‌آورتری یافتند. بر اساس ماده ۲۵، هر شهروند حق دارد «بدون تبعیض‌های نامعقول» در اداره امور عمومی کشور مشارکت کند و به خدمات عمومی دسترسی داشته باشد. گرچه این اسناد آشکارا بر جنسیت تأکید ندارد، اما رویه نهادهای ناظر حقوق بشر، آن‌ها را به‌عنوان مبنایی برای الزام دولت‌ها به تأمین مشارکت برابر زنان تفسیر کرده‌اند.

۲.۱.۵. کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)

کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان که اغلب از آن به‌عنوان «منشور بین‌المللی حقوق زنان» یاد می‌شود، مهم‌ترین سند الزام‌آور در حوزه حقوق زنان است. ماده ۷ این کنوانسیون، دولت‌ها را ملزم می‌کند که «همه اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان در حیات سیاسی و عمومی کشور» اتخاذ کنند و به‌ویژه «حق رأی‌دادن و انتخاب‌شدن در تمامی انتخابات» و «حق مشارکت در تدوین و اجرای سیاست‌های دولت» را برای زنان تضمین کنند. ماده ۸ نیز بر مشارکت زنان در سطوح بین‌المللی تأکید می‌کند. تا سال ۲۰۲٦، ۱۸۹ دولت عضویت در این کنوانسیون را تصویب کرده‌اند که آن را به یکی از گسترده‌ترین معاهدات حقوق بشری تبدیل کرده است. کمیته کنوانسیون، به‌عنوان نهاد ناظر، از طریق گزارش‌های دوره‌ای و توصیه‌های عمومی، نقش مهمی در تفسیر و گسترش این تعهدات ایفا کرده است. توصیه (نظریه) عمومی شماره ٤۰ (GR40) درباره «نمایندگی برابر و فراگیر زنان در نظام‌های تصمیم‌گیری» که در سال ۲۰۲٤ به تصویب رسید، نقشه راه جهانی را برای دستیابی به برابری کامل جنسیتی (پنجاه ـ پنجاه) در نظام‌های تصمیم‌گیری تا سال ۲۰۳۰

1. Normative Foundations

ترسیم می‌کند. این توصیه، دولت‌ها را موظف می‌سازد که قوانینی برای تضمین برابری جنسیتی در انتخابات و انتصابات و نیز برابری در پست‌های رهبری در پارلمان‌ها و دیگر نهادهای تصمیم‌گیر اتخاذ کنند. به‌بیان دقیق‌تر، کنوانسیون، دولت‌های عضو را به تضمین برابری در قوانین و هنجارها و در نتایج عملی و زندگی واقعی زنان و دختران ملزم می‌کند. نتایج مطالعه کالی نشان‌دهنده تأثیر مثبت بلندمدت کنوانسیون بر کشورهای عضو آن است، به‌گونه‌ای که نتایج حقوق زنان هر سال پس از تصویب افزایش می‌یابد. بیشترین تأثیرات مثبت این معاهده در حقوق سیاسی رخ داده است و تأثیرات مثبت کنوانسیون با افزایش سطح مردم‌سالاری در یک ملت افزایش می‌یابد. این نشان می‌دهد که در کشورهایی بیشترین تأثیر را دارد که سازوکارهای داخلی برای اجرا و اعمال انطباق دارند (Cole, 2013: 233).

۳.۱.۵. اعلامیه و برنامه عمل پکن (۱۹۹۵)

کنفرانس جهانی چهارم زنان در پکن (۱۹۹۵) نقطه عطفی در گفتمان حکمرانی زنان به‌شمار می‌رود. برنامه عمل پکن که با اجماع ۱۸۹ دولت به تصویب رسید، ۱۲ حوزه حیاتی را شناسایی کرد که ازجمله آن‌ها «زنان و قدرت و تصمیم‌گیری» است. این سند، دولت‌ها را متعهد کرد که «اقدامات مثبتی برای تضمین مشارکت برابر زنان در تمامی سطوح تصمیم‌گیری در نهادهای دولتی، به‌ویژه در بالاترین سطوح» اتخاذ کنند. برنامه عمل پکن همچنین بر ضرورت «ایجاد و تقویت سازوکارهای نهادی برای ارتقای وضعیت زنان» (UN Women, 1995: part 181) در سطوح ملی تأکید می‌کند. یکی از دستاوردهای مهم این برنامه، «تصویب ۱۵۸۳ قانون علیه خشونت مبتنی بر جنسیت در ۱۹۳ کشور است که از تنها ۱۲ کشور در سال ۱۹۹۵ به این رقم رسیده است» (UN Women and Women Count, 2026: 2-3).

۴.۱.۵. قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت (۲۰۰۰) و «دستور کار زنان، صلح و امنیت»

قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت (S/RES/1325-2000) که در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰ به تصویب رسید، نقطه عطفی در به‌رسمیت شناختن نقش زنان در «حکمرانی صلح و امنیت» به‌شمار می‌رود. این قطعنامه که به‌عنوان چارچوب هنجاری تحول‌آفرین توصیف شده است، برای اولین‌بار، مشارکت کامل و برابر زنان در تمامی مراحل حل منازعه را به‌عنوان الزام حقوقی مطرح کرد و چهار رکن به‌هم‌پیوسته را بنیان نهاد: «مشارکت، پیشگیری، حمایت، و کمک‌رسانی و بهبودی». این قطعنامه نه‌تنها رنج زنان در جنگ را به‌رسمیت شناخت، بلکه «عاملیت و حق زنان برای شکل‌دهی به صلح» را نیز مورد تأکید قرار داد. پس از قطعنامه ۱۳۲۵، شورای امنیت هشت قطعنامه تکمیلی (۱۸۲۰،

۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۱۹۶۰، ۲۱۰۶، ۲۱۲۲، ۲۲۴۲، ۲۴۶۷) را به‌تصویب رساند که مجموعاً «دستور کار زنان، صلح و امنیت» را تشکیل می‌دهند (United Nations Development Programme (UNDP), 2019: 4). در واقع، پس از سال‌ها حمایت از زنان توسط سازمان ملل، این قطعنامه آغازگر کاری بود که به‌عنوان دستور کار زنان، صلح و امنیت شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، «رهبران جهانی به رویکردی جدید برای نگاه به درگیری و صلح، فراتر از احزاب متخاصم و دلالان قدرت سنتی متعهد شدند که هر دو حتی امروز تحت سلطه مردان هستند. قطعنامه ۱۳۲۵ اذعان می‌کند که زنان و دختران به طرق متمایز وحشتناک و ضروری از درگیری آسیب می‌بینند و تأکید می‌کند که مشارکت معنادار زنان در فرایندهای صلح برای پیشگیری، پایان‌دادن و بهبودی از درگیری ضروری است» (UN Women, 2025(C): 2). سیما باهوس، مدیر اجرایی نهاد زنان ملل متحد، در نشست شورای امنیت در ٦ اکتبر ۲۰۲۵ تأکید کرد که «سال‌های آینده باید شاهد اجرای کامل قطعنامه ۱۳۲۵ در تمام زمینه‌ها باشد. وقتی زنان رهبری می‌کنند، صلح به‌دنبال می‌آید» (Bahous, 2025: 1-2).

نقش هر یک از نهادهای اصلی ملل متحد در زمینهٔ هنجارسازی حکمرانی در حوزه زنان را می‌توان به تفکیک این‌گونه بیان کرد: ۱. مجمع عمومی سازمان ملل: به‌عنوان نهاد اصلی سازمان ملل از اختیار تصویب قطعنامه‌های غیرالزام‌آور، صدور اعلامیه‌ها، برگزاری کنفرانس‌های جهانی، به تدوین هنجارهای جهانی ازجمله اعلامیه پکن، کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان در ارتقای حکمرانی زنان نقش ایفا می‌کند. ۲. شورای امنیت: به‌عنوان نهاد اصلی سازمان ملل، به تصویب قطعنامه‌های الزام‌آور، اعمال تحریم‌ها، و صدور هنجارهای الزام‌آور همچون «دستور کار زنان، صلح و امنیت» اقدام می‌کند.

۲.۵. بعد ساختار نهادی

اقدامات هنجاری سازمان ملل در قالب تدوین اسناد بین‌المللی حقوق بشری، به ایجاد و تأسیس ساختارها و نهادهای حمایتی از زنان در چند دهه منجر شده است. در واقع، نهادینه‌سازی هنجارهای بنیادین مندرج در اسناد بین‌المللی، نیازمند ایجاد نهادها و ساختارهایی در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و محلی است تا سازمان ملل بتواند در عمل وضعیت حکمرانی زنان را در تمام کشورهای عضو و در تمامی سطوح بهبود ببخشد.

۱.۲.۵. نهاد زنان ملل متحد[1]

مهم‌ترین نهاد تخصصی سازمان ملل در حوزه حکمرانی زنان، نهاد زنان ملل متحد است که در ژوئن ۲۰۱۰ با ادغام چهار نهاد پیشین (دفتر مشاور ویژه امور جنسیت، بخش پیشرفت زنان، صندوق توسعه زنان و مؤسسه آموزش و پژوهش زنان) تأسیس شد. این نهاد سه وظیفه هم‌زمان (سه‌گانه) دارد: ۱. عرضه خدمات هنجاری و تدوین استانداردهای جهانی ۲. اجرای برنامه‌های عملیاتی در سطح کشورها ۳. هماهنگی نظام ملل متحد در زمینه برابری جنسیتی. نهاد زنان سازمان ملل متحد برای پیشبرد حقوق زنان، برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران به‌وجود آمده است. به‌عنوان نهاد پیشرو سازمان ملل متحد در زمینه برابری جنسیتی و دبیرخانه کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد، قوانین، نهادها، هنجارهای اجتماعی و خدمات را تغییر می‌دهد تا شکاف جنسیتی را از بین ببرد و جهانی برابر برای همه زنان و دختران بسازد؛ همچنین مشارکت با دولت‌ها، جنبش‌های زنان و بخش خصوصی، همراه با هماهنگی با سازمان ملل متحد، تغییرات پایداری را به‌همراه دارد؛ لذا در پی ارتقای زنان در چند حوزه است: «رهبری، توانمندسازی اقتصادی، رهایی از خشونت، و صلح، امنیت و اقدامات بشردوستانه»؛ لذا نهاد زنان سازمان ملل متحد، حقوق زنان و دختران را در مرکز پیشرفت جهانی ـ همیشه و همه جا ـ قرار می‌دهد؛ زیرا برابری جنسیتی فقط کاری نیست که انجام می‌دهد، بلکه هویت آن است (UN Women, 2026(B): 1). بر اساس گزارش سالانه این نهاد، «در دوره ۲۰۲۲ـ۲۰۲۵، نهاد زنان ملل متحد در ۱۱۰ کشور به زنان و دختران در کسب حقوق قانونی کمک کرده، در ۱۲۸ کشور سازمان‌های جامعه مدنی را برای توانمندسازی رهبران زن تقویت کرده، و در ۳٤ کشور از زنان در برابر خشونت محافظت به عمل آورده است. در سال ۲۰۲۵، این نهاد به کشورها در تصویب یا اصلاح ٦۹ قانون برای ارتقای برابری جنسیتی کمک کرد» (UN Women, 2026(C): 1).

نهاد زنان ملل متحد در زمینه مشارکت سیاسی زنان، بر تضمین اینکه زنان رهبری کنند؛ مشارکت کنند و به‌طور برابر از نظام‌های حکمرانی بهره‌مند شوند، تمرکز دارد. هدف نهایی جنبه حمایتی این نهاد، تثبیت نوعی از حکمرانی است که برای همه زنان نتیجه‌بخش باشد. در واقع، رویکرد زنان ملل متحد برای ارتقای مشارکت سیاسی زنان، جامع و چندوجهی است و شامل راهبردهای متقابل تقویت‌کننده برای رفع موانع ساختاری، تغییر هنجارهای تبعیض‌آمیز و تقویت حکمرانی فراگیر

1. UN Women

می‌شود (UN Women, 2025(D): 2). بر اساس گزارش نهاد زنان ملل متحد در سال ۲۰۲۵، در پیشبرد رهبری سیاسی زنان و حکمرانی پاسخگوی جنسیتی در سراسر منطقه، پیشرفت قابل توجهی حاصل شده است: ۱. میانگین نمایندگی زنان در پارلمان‌های ملی، از ۲۷/۸٪ در سال ۲۰۱۹ و ۱۱٪ در سال ۱۹۹۵ به ۳۱/٦٪ در سال ۲۰۲٤ افزایش یافته، که نشان‌دهنده شتاب پایدار منطقه‌ای به‌سوی برابری است. ۲. در سطح محلی، در مقایسه با ۲۸/۷٪ در سال ۲۰۱۹، زنان اکنون به‌طور متوسط ۳٤/۱٪ از کرسی‌های نهادهای مشورتی را در اختیار دارند. ۳. سهمیه‌های قانونی جنسیتی (یک اقدام موقت ویژه حیاتی) اکنون در ۲٦ کشور وجود دارد که از تحول ساختاری در نهادهای سیاسی حمایت می‌کند. ٤. بیش از ۲۰۰۰ زن برای نامزدی در مناصب انتخابی آموزش دیده‌اند، ازجمله زنان از گروه‌های کم‌نمایش، که بسیاری از آن‌ها با موفقیت انتخاب شده‌اند. ۵. بیش از یک میلیون نفر از طریق پویش‌های آگاهی‌بخشی که رهبری سیاسی زنان را پیش می‌برد، تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. ٦. نهاد زنان ملل متحد، پژوهش پیشگامانه‌ای در مورد خشونت علیه زنان در سیاست در پنج کشور انجام داده است که گفتگوی سیاستی و اقدامات حفاظتی را آگاه می‌سازد (UN Women, 2025(D): 3).

۲.۲.۵. برنامه راهبردی ۲۰۲۶–۲۰۲۹ نهاد زنان ملل متحد

برنامه راهبردی جدید زنان ملل متحد برای سال‌های ۲۰۲٦_۲۰۲۹، مأموریت هماهنگی این نهاد را به‌عنوان محرکی برای کارایی و اثربخشی سراسر نظام ملل متحد در زمینه برابری جنسیتی تقویت کرده است و اجرای یکپارچه‌تر مأموریت سه‌گانه این نهاد را آسان می‌کند. مأموریت سه‌گانه نهاد زنان سازمان ملل متحد (پشتیبانی هنجاری، هماهنگی نظام سازمان ملل متحد و فعالیت‌های عملیاتی) پایه و اساس مهمی را برای تبدیل هنجارها و استانداردها به تغییرات پایدار و معنادار در زندگی زنان و جامعه آن‌ها فراهم می‌کند. طرح راهبردی زنان سازمان ملل متحد ۲۰۲٦–۲۰۲۹، ضمن تطبیق با چشم‌انداز جهانی که به‌سرعت در حال تحول است، راه‌حل‌های متمرکزتر و یکپارچه‌تری را بر اساس مأموریت، تخصص و مزایای نسبی و مشارکتی خود دنبال می‌کند. این برنامه بر «ادغام دیدگاه‌های جنسیتی در حوزه‌های نوظهور» ازجمله حکمرانی هوش مصنوعی تأکید می‌کند و بر تقویت نقش رهبری زنان در حوزه‌های جدید مانند فناوری و حکمرانی دیجیتال متمرکز است (UN Women, 2025(E): 2).

۳.۲.۵. کمیسیون مقام زن[1]

کمیسیون مقام زن که در سال ۱۹٤٦ تأسیس شد، نهاد اصلی بین‌دولتی سیاست‌گذار در حوزه برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در نظام ملل متحد است. این کمیسیون متشکل از ٤٥ عضو است که هر سال در نشست خود، «نتیجه‌گیری‌های توافقی» را درباره موضوعات اولویت‌دار تصویب می‌کند. شصت‌ونهمین نشست کمیسیون در مارس ۲۰۲۵، با تمرکز بر سی‌اُمین سالگرد اعلامیه پکن، در نیویورک تشکیل شد. در این نشست، گفتگوی تعاملی درباره «پیشرفت‌های حاصل‌شده و اقدامات فوری برای بهبود مشارکت زنان در زندگی عمومی و تضمین نهادهای شفاف، پاسخگو و پاسخگوی جنسیتی» برگزار شد. شرکت‌کنندگان در این گفتگو تأکید کردند که با وجود پیشرفت‌ها، موانع ساختاری و تعصبات ریشه‌دار علیه زنان همچنان مانع پیشرفت می‌شود و حملات برخط و غیر برخط به زنان در زندگی سیاسی و عمومی، تبعیض علیه زنان در قانون، نهادهای ضعیف و کاهش بودجه‌ها، همگی مانع رهبری و مشارکت سیاسی زنان در تمام سطوح می‌شود (Commission on the Status of Women, 2025, E/CN.6/2025/16).

۴.۲.۵. برنامه عمران ملل متحد[2]

برنامه عمران (توسعه) ملل متحد از طریق برنامه «حکمرانی دموکراتیک» خود، بر آسان‌سازی مشارکت زنان در نهادهای حکمرانی، بهبود دسترسی زنان به عدالت و خدمات حقوقی و حمایت از پیشگیری و مبارزه با خشونت جنسیتی متمرکز است و بر این باور است که «هنگامی که زنان و مردان به‌طور برابر در تصمیم‌گیری مشارکت کنند، مجالس و شوراهای محلی عملکرد بهتری دارند و دولت‌ها معتبرتر و پاسخگوتر می‌شوند (UNDP, 2026: 1-2).

نقش هریک از نهادهای اشاره‌شده در ارتقای حکمرانی زنان این‌گونه قابل توصیف است: ۱. نهاد زنان ملل متحد: به‌عنوان نهاد تخصصی، با مأموریت سه‌گانه (هنجاری، عملیاتی، هماهنگی) از ابزارهای تأثیرگذاری ازجمله برنامه‌های کشوری، حمایت فنی، تولید دانش، به‌منظور ترجمه هنجارها به سیاست‌های ملی در حوزه حکمرانی زنان اقدام می‌کند. ۲. با ماهیت حقوقی نهاد بین‌دولتی سیاست‌گذار، صلاحیت تصویب نتیجه‌گیری‌های توافقی دارد و با ابزارهای برگزاری نشست‌های سالانه و گفتگوهای تعاملی، به سیاست‌گذاری جهانی در حوزه برابری جنسیتی اقدام می‌کند. ۳. کمیته کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان: این کمیته در نقش نهاد ناظر معاهده کنوانسیون،

1. Commission on the Status of Women (CSW)
2. United Nations Development Programme (UNDP)

به بررسی گزارش‌های دوره‌ای و صدور پیشنهادهای عمومی، رویه شکایت و تفسیر و گسترش تعهدات در زمینه رفع اشکال تبعیض علیه زنان اقدام می‌کند. ٤. برنامه عمران ملل متحد: به‌عنوان نهاد توسعه‌ای، معمولاً برنامه‌های حکمرانی دموکراتیک را تصویب می‌کند و با ابزراهایی مانند طرح‌های ملی و ظرفیت‌سازی، مشارکت زنان در نهادهای حکمرانی را آسان می‌کند.

۳.۵. بعد برنامه‌های عملیاتی (از سیاست تا اجرا)

برنامه‌های عملیاتی در سازمان ملل، پلی است که «تعهدات عالیه سیاسی و هنجارهای بین‌المللی را به اقدامات عینی و قابل لمس در سطح ملی و محلی تبدیل می‌کند.» (UN Women, 2025(F): 13). این برنامه‌ها، نشانی از تغییر رویکرد سازمان ملل از «بیانیه‌های کلی» به «اقدامات ساختاریافته» برای ارتقای حکمرانی زنان است. به عبارت ساده‌تر، این برنامه‌ها به سؤالات گوناگونی پاسخ می‌دهد: «۱. چه کاری؟ (اهداف مشخص و قابل اندازه‌گیری) ۲. چگونه؟ (راهبردها و روش‌های اجرایی) ۳. با چه کسی؟ (نقش شرکای ملی و بین‌المللی) ٤. با چه هزینه‌ای؟ (بودجه و منابع مورد نیاز)» (UN Women, 2025(F): 13).

۱.۳.۵. برنامه‌های اقدام ملی[1] در چارچوب «دستور کار زنان، صلح و امنیت»

یکی از مهم‌ترین ابزارهای عملیاتی سازمان ملل، حمایت از تدوین برنامه‌های اقدام ملی (NAPs) (UN, 2026) در کشورهای عضو برای اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ است. این برنامه‌ها، تعهدات بین‌المللی را به سیاست‌ها و بودجه‌های ملی تبدیل می‌کند و اینکه «توسط دولت‌ها تهیه شده است، ضمن تشریح اقدامات آینده درباره حقوق بشر، چشم‌اندازی از فعالیت‌های فعلی ارائه می‌کند.» (یعقوبی راد، ۱٤۰۰: ۳٦۰). در سطح منطقه‌ای، نهاد زنان ملل متحد نقشی پیشرو در شکل‌دهی و پیشبرد «دستور کار زنان، صلح و امنیت» ایفا کرده است و از کشورهای منطقه عربی ازجمله عراق، اردن، لبنان، لیبی، فلسطین، سوریه، یمن، مراکش، تونس و مصر در توسعه، تمدید و اجرای برنامه‌های اقدام ملی حمایت کرده است. این حمایت همچنین شامل سامانه‌های نظارتی برای پیگیری پیشرفت‌ها می‌شود (UN Women, 2025(G): 1).

مطالعه موردی: عراق

در عراق، نهاد زنان ملل متحد نقشی مرکزی در تقویت نظام‌های ملی برای حمایت از مشارکت زنان در حیات سیاسی ایفا کرده است و اقدامات صورت‌گرفته به نتایج عینی و تغییرات ساختاری در عراق منجر شده است:

1. National Action Plans (NAPs)

۱. افزایش نمایندگی سیاسی زنان: در انتخابات پارلمانی اکتبر ۲۰۲۱، زنان موفق به کسب ۹۵ کرسی از ۳۲۹ کرسی مجلس (بیش از ۲۹ درصد) شدند که نسبت به ۲۵ درصد در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است. نکته قابل توجه اینکه ۵۷ نفر از این زنان خارج از سهمیه ۲۵ درصدی قانون اساسی انتخاب شدند.

۲. تقویت چارچوب‌های نهادی: ایجاد و فعال‌سازی چارچوب‌های هماهنگی ملی و برنامه‌های اقدام، نشان‌دهنده پیشرفت ساختاری ملموس در راستای تقویت رهبری، حمایت و مشارکت زنان در عراق است.

۳. توانمندسازی در سطوح محلی: در جریان انتخابات محلی و منطقه‌ای پرتنش که به کشته‌شدن ۱٤ نامزد منجر شد، ۳۰۰ زن نامزد توسط نهاد زنان ملل متحد و بنیاد عراق آموزش دیدند. بسیاری از آنان موفق شدند و به لطف قانون سهمیه، زنان احتمالاً ۲٦ درصد از کرسی‌های شوراهای محلی را در سراسر عراق به‌دست خواهند آورد.

٤. گسترش مشارکت در بخش امنیت و قضاوت: حضور زنان در بخش‌های امنیتی، قضایی و سیاسی گسترش یافته است و از سهمیه قانون اساسی در انتخابات شوراهای استانی ۲۰۲۳ فراتر رفته است؛ همچنین حدود ۱۲۰۰۰ زن در بخش امنیت خدمت می‌کنند.

۵. ایجاد شبکه‌های تخصصی زنان: نهاد زنان ملل متحد از ایجاد اولین شبکه ملی میانجی‌گران زن عراق حمایت کرد که به زنان در به‌دست‌آوردن مهارت‌های حل تعارض برای مشارکت فعال در فرایندهای صلح ملی و محلی کمک کرد» (UN Women, 2026: Iraq).

۲.۳.۵. افزایش مشارکت سیاسی زنان (سهمیه‌های جنسیتی و اقدامات ایجابی)

سازمان ملل از طریق نهادهای خود، به‌طور فعال از سهمیه‌های جنسیتی به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای افزایش مشارکت سیاسی زنان حمایت می‌کند. داده‌های نهاد زنان ملل متحد نشان می‌دهد که سهمیه‌های جنسیتی محرک اصلی پیشرفت باقی مانده است: ۸۲ کشور از سهمیه‌ها در سطح محلی استفاده می‌کنند و کشورهایی با سهمیه‌های قوی و بلندپروازانه به‌طور متوسط ٤۲ درصد زنان در مجالس محلی دارند، در مقایسه با تنها ۲۵ درصد در کشورهای بدون سهمیه. بر اساس داده‌های این نهاد، به‌عنوان نهاد متولی شاخص b.5.5.1 هدف توسعه پایدار، بیش از سه میلیون زن، کرسی‌های نهادهای تصمیم‌گیر محلی را در اختیار دارند که ۳۵/٦ درصد از کل اعضا را تشکیل می‌دهد؛ هرچند تنها دو کشور به برابری کامل دست یافته‌اند ((UN Women, 2026(F)).

مطالعه موردی: لبنان

در لبنان، نهاد زنان ملل متحد از فرصت سیاسی ناشی از انتخاب رئیس‌جمهور جدید در ژانویه ۲۰۲۵ استفاده کرد تا مشارکت سیاسی زنان را افزایش دهد. در انتخابات شهرداری‌ها در می ۲۰۲۵، زنان نمایندگی خود را در شوراهای شهرداری به ۱۰/۳۷ درصد افزایش دادند که نسبت به ۵/٥٤ درصد در سال ۲۰۱٦ رشد چشمگیری داشت. زنان همچنین ۱٦/٤ درصد از کرسی‌های شوراهای مختار (شهرداران محلی) و ۲/٤۲ درصد از پست‌های مختار را به‌دست آوردند. از ۵۰ زنی که نهاد زنان ملل متحد با کمک‌های فنی و پوشش رسانه‌ای در آستانه انتخابات حمایت کرد، ۲۲ نفر نامزد شدند و ۱۸ نفر موفق به کسب کرسی شدند. مجموعاً ٤٤۳ زن نامزد مشتاق، برای انتخابات شهرداری و مجلس آینده، مهارت‌های رهبری و انتخاباتی خود را از طریق برنامه‌های آموزشی این نهاد تقویت کردند ((UN Women, 2025(I)).

مطالعه موردی: اردن

در اردن، در پنج سال اخیر، اصلاحات گسترده‌ای برای افزایش مشارکت زنان به‌عنوان رأی‌دهنده، کارکنان انتخابات و نامزدهای سیاسی صورت گرفته است. در انتخابات ۲۰۲٤، زنان تقریباً ۲۰ درصد از کرسی‌های مجلس را به‌دست آوردند که نسبت به انتخابات قبلی کمتر از ۱٤ درصد افزایش یافت. اصلاحات کلیدی شامل قانون انتخابات (۲۰۲۲) که سهمیه زنان در مجلس نمایندگان را به ۱۸ کرسی افزایش داد، قانون احزاب سیاسی (۲۰۲۲) که زنان را ملزم به تشکیل حداقل ۲۰ درصد از اعضای مؤسس یک حزب سیاسی می‌کند و قانون اداره محلی شماره ۲۲ (۲۰۲۱) که نمایندگی زنان در شوراهای محلی و منطقه‌ای را از ۱۰ به ۲۵ درصد افزایش داد. نهاد زنان ملل متحد همچنین برای اولین بار در تاریخ اردن، یک زن را به‌عنوان رئیس کمیته ملی انتخابات و سه زن را به‌عنوان رئیس کمیته‌های محلی منصوب کرد (UN Women, 2024(A): 1-2).

۳.۳.۵. بودجه‌ریزی پاسخگوی جنسیتی[1]

یکی از رویکردهای نوآورانه سازمان ملل در ارتقای حکمرانی زنان، ترویج بودجه‌ریزی پاسخگوی جنسیتی است. این رویکرد، بودجه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت را از دید تأثیر بر نابرابری‌های جنسیتی مورد بررسی قرار می‌دهد. نهادهای ملل متحد به‌عنوان بازیگران محوری در ترویج و هدایت انتشار این رویکرد در سطوح مرکزی و محلی ایفای نقش کرده‌اند ((UN Women, 2025(k)).

1. Gender Responsive Budgeting

بودجه‌ریزی پاسخگوی جنسیتی به‌عنوان «ابزار سیاست‌گذاری عمومی نوآورانه»[1] توصیف شده است. وب‌گاه نهاد زنان ملل متحد آن را یک «راهبرد» معرفی می‌کند که بودجه‌هایی را ایجاد می‌کند که «برای همه کار می‌کنند.» (UN Women, 2024(B)).

مطالعه موردی: بنگلادش

در بنگلادش، برنامه حکمرانی پاسخگوی جنسیتی نهاد زنان ملل متحد بر حمایت از دولت در چهار حوزه متمرکز است: ۱. بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی ملی ۲. چارچوب‌های هنجاری ۳. آمارهای جنسیتی ٤. رهبری زنان (UN Women, 2025(L): 2). این برنامه به رفع شکاف‌های مداوم در نمایندگی، موانع ساختاری و هنجارهای تبعیض‌آمیزی می‌پردازد که مشارکت زنان در تصمیم‌گیری را محدود می‌کند. بودجه‌ریزی پاسخگوی جنسیتی تضمین می‌کند که نظام‌های عدالت نه‌تنها تقویت می‌شود، بلکه فراگیر و پاسخگوی نیازهای زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر است (UN Women, 2026(F): 1).

۴.۳.۵. توانمندسازی محلی

نهاد زنان ملل متحد از طریق برنامه‌های نوآورانه محلی، مشارکت زنان در حکمرانی و صلح‌سازی را در سطح جامعه تقویت می‌کند. «شبکه میانجی‌گران زن عرب»[2] و «گروه کاری منطقه‌ای» ازجمله ابتکاراتی است که بیش از ۲۰۰ فعال زن صلح را مشارکت داده، و حدود ۱۰۰ ذی‌نفع را در روز باز منطقه‌ای به‌مناسبت بیست‌وپنجمین سالگرد قطعنامه ۱۳۲۵ گرد هم آورده است. این شبکه‌ها به شکل‌گیری روایت منطقه‌ای مشترک کمک کرده است و همکاری میان دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای، جامعه مدنی و شرکای سازمان ملل را تقویت می‌کند (UN Women, 2025(M): 1).

۴.۵. بعد نظارت، گزارش‌دهی و پاسخ‌خواهی

یکی از تدابیر مهم سازمان ملل متحد در نهادینه‌سازی هنجارها و موازین حقوق بشری مندرج در اسناد و معاهدات بین‌الملل در زمینهٔ تقویت حکمرانی زنان، اعمال سازوکارهای نظارتی، کنترلی و پاسخگویی است که به شیوه‌های گوناگون و توسط نهادهای حقوق بشری خود اجرا می‌کند.

۱.۴.۵. گزارش‌های دوره‌ای دبیر کل

دبیر کل ملل متحد موظف است سالانه گزارشی درباره وضعیت «دستور کار زنان، صلح و امنیت» به شورای امنیت ارائه کند. این گزارش‌ها که بر اساس داده‌های کشورهای عضو و نهادهای ملل

1. Innovative Public Policy Tool
2. Arab Women Mediators Network

متحد تهیه می‌شود، ابزار مهمی برای نظارت بر پیشرفت‌ها و شناسایی عقب‌گردها به‌شمار می‌رود (United Nations, 2024): S/2024/671).

۲.۴.۵. گزارش‌های داوطلبانه ملی[1]

در چارچوب دستور کار ۲۰۳۰ توسعه پایدار، کشورها موظف به ارائه گزارش‌های داوطلبانه ملی درباره پیشرفت در تحقق اهداف توسعه پایدار هستند. نهاد زنان ملل متحد از طریق ترویج «ادغام معنادار دیدگاه‌های جنسیتی در سراسر فرایندهای گزارش‌دهی ملی، اطمینان حاصل می‌کند که تعهدات با اجرا و نتایج همراه است. هدف پنجم توسعه پایدار که به برابری جنسیتی اختصاص دارد، به‌عنوان یکی از اهداف فراگیر در تمام گزارش‌های ملی مورد تأکید قرار گرفته است» (UN Women, 2020: 7).

۳.۴.۵. داده‌ها و شاخص‌های جهانی

نهاد زنان ملل متحد به‌عنوان نهاد متولی شاخص (b.5.5.1) نسبت کرسی‌های اشغال‌شده توسط زنان در دولت‌های ملی و محلی، داده‌های جامعی را در مورد مشارکت سیاسی زنان جمع‌آوری و منتشر می‌کند. وب‌گاه نهاد زنان ملل متحد داده‌های مربوط به میزان و درصد حکمرانی زنان در کرسی‌های ملی و محلی را به‌شرح مصداق‌های ذیل منتشر کرده است (آمار تا ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۵) (UN Women, 2025: 1-2).

الف) پست‌های اجرایی: «تا ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۵، ۲۹ کشور وجود دارد که ۳۲ زن در آن‌ها به‌عنوان رئیس دولت و یا دولت خدمت می‌کنند. با نرخ فعلی، برابری جنسیتی در بیشترین مناصب قدرت تا ۱۳۰ سال دیگر محقق نخواهد شد. فقط ۱۹ کشور یک زن رئیس دولت و ۲۲ کشور یک زن در دولت دارند. داده‌های جمع‌آوری‌شده توسط زنان ملل متحد نشان می‌دهد که زنان ۲۲/۹ درصد از اعضای کابینه را که ریاست وزارتخانه‌ها را بر عهده دارند، تشکیل می‌دهند و از اول ژانویه ۲۰۲۵ یک حوزه سیاست‌گذاری را رهبری می‌کنند. تنها نه کشور هست که در آن‌ها زنان ۵۰ درصد یا بیشتر از مناصب وزرای کابینه را در حوزه‌های سیاست‌گذاری رهبری می‌کنند.

ب) پارلمان‌های ملی: تنها ۲۷/۲ درصد از نمایندگان مجلس در مجلس‌های تک‌نفره یا سفلی زن هستند که نسبت به ۱۱ درصد در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است. تنها شش کشور ۵۰ درصد یا بیشتر از زنان را در پارلمان خود در مجلس‌های تک‌نفره یا سفلی دارند: رواندا (٦٤ درصد)، کوبا (٥٦

1. Voluntary National Reports (VNRs)

درصد)، نیکاراگوئه (۵۵ درصد)، آندورا (۵۰ درصد)، مکزیک (۵۰ درصد) و امارات متحده عربی (۵۰ درصد). ۲۱ کشور دیگر به ٤۰ درصد رسیده یا از آن فراتر رفته است. از جمله نه کشور در اروپا، شش کشور در امریکای لاتین و کارائیب، پنج کشور در آفریقا و یک کشور در آسیا و اقیانوسیه. در سطح جهان، ۲۱ کشور هست که در آن‌ها زنان کمتر از ۱۰ درصد از نمایندگان مجلس در مجلس‌های تک‌نفره یا سفلی را تشکیل می‌دهند. با نرخ فعلی پیشرفت، برابری جنسیتی در نهادهای قانونگذاری ملی تا قبل از سال ۲۰٦۳ محقق نخواهد شد. زنان ۳٦ درصد از کرسی‌های پارلمانی امریکای لاتین و کارائیب را در اختیار دارند و ۳۳ درصد از نمایندگان پارلمان اروپا و امریکای شمالی را تشکیل می‌دهند. در کشورهای جنوب صحرای آفریقا، ۲۷ درصد از قانونگذاران زن هستند و پس از آن آسیای شرقی و جنوب شرقی با ۲۳/۵ درصد، اقیانوسیه با ۲۰ درصد، شمال آفریقا و آسیای غربی با ۱۹ درصد و آسیای مرکزی و جنوبی با ۱۷ درصد از اعضای پارلمان زن هستند.

ج) دولت محلی: داده‌های ۱٤۵ کشور نشان می‌دهد که زنان بیش از سه میلیون (۳۵.۵ درصد) از اعضای منتخب در نهادهای مشورتی محلی را تشکیل می‌دهند. تنها دو کشور به ۵۰ درصد رسیده است و ۲٦ کشور دیگر بیش از ٤۰ درصد از زنان در دولت محلی هستند؛ همچنین تفاوت‌های منطقه‌ای برای حضور زنان در نهادهای مشورتی محلی، از ژانویه ۲۰۲٤، به این ترتیب است: آسیای مرکزی و جنوبی، ٤۱ درصد؛ اروپا و آمریکای شمالی، ۳۷ درصد؛ اقیانوسیه، ۳۱ درصد؛ آسیای شرقی و جنوب شرقی، ۳۱ درصد؛ آمریکای لاتین و کارائیب، ۲۹ درصد؛ کشورهای جنوب صحرای آفریقا، ۲٦ درصد؛ آسیای غربی و شمال آفریقا، ۲۰ درصد.

در مجموع، داده‌های جامعه آماری نهاد زنان ملل متحد نشان می‌دهد در حالی که بیشتر کشورهای جهان به برابری جنسیتی دست نیافته‌اند، «سهمیه‌های جنسیتی در طول سال‌ها به‌طور قابل توجهی به پیشرفت کمک کرده است. در کشورهایی که سهمیه‌های کاندیداتوری قانونی دارند، نمایندگی زنان در پارلمان‌ها و دولت‌های محلی به‌ترتیب پنج درصد و هفت درصد بیشتر از کشورهایی است که چنین قانونی ندارند» (United Nations, Economic and Social Council, 2021: E/CN.6/2021/3).

نتیجه‌گیری

نقش و تأثیر سازمان ملل متحد در ارتقای حکمرانی زنان، فرایندی چندبعدی است و به دستاوردهای چشمگیری در چند دهه فعالیت منجر شده است. ارتقای حکمرانی در حوزه زنان، بر

اساس چارچوب نظری ترکیبی و با استناد به نمونه‌های عینی کشورهای مورد مطالعه، به یافته‌های قابل توجهی دست یافته است. این نتیجه‌گیری کاربردی در چهار سطح دستاوردها، چالش‌ها، درس‌آموخته‌ها و پیشنهادهای راهبردی تدوین شده است:

۱. دستاوردهای عینی: دستاوردها شامل موارد متعددی است ازجمله: الف) مداخلات نهاد زنان ملل متحد در کشورهای مورد مطالعه، به افزایش قابل توجه نمایندگی سیاسی زنان در سطوح ملی و محلی انجامیده است. به‌طور مثال زنان در انتخابات پارلمانی اکتبر ۲۰۲۱ کشور عراق موفق به کسب ۹۵ کرسی از ۳۲۹ کرسی پارلمان (بیش از ۲۵٪) شدند که نسبت به ۲۵٪ در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت. ب) نهاد زنان ملل متحد از طریق مأموریت سه‌گانه خود (هنجاری، عملیاتی و هماهنگی)، به ایجاد و تقویت زیرساخت‌های نهادی و چارچوب‌های قانونی برای حکمرانی زنان کمک کرده است. برای مثال در اردن، این نهاد با حمایت از اصلاحات قانونی و اجرای پویش ملی «مسئولیت مشترک ما» که بیش از پنج میلیون نفر را تحت تأثیر قرار داد، نقش کلیدی در ایجاد محیط مساعد برای مشارکت سیاسی زنان ایفا کرده است. ج) این نهاد سبب تغییر هنجارهای اجتماعی و توانمندسازی محلی در حوزه حکمرانی زنان شده است. در بنگلادش، با توانمندسازی بیش از ۱۰۰۰ دختر نوجوان و زن جوان به‌عنوان رهبر و عامل تغییر در جوامع خود، و راه‌اندازی پیمانه آموزش برخط پاسخگوی جنسیتی برای شبکه زنان پلیس، به تغییر هنجارهای اجتماعی کمک کرده است.

۲. چالش‌های ساختاری و شکاف‌های پایدار: به‌رغم دستاوردهای قابل توجه، این پژوهش چهار چالش ساختاری را شناسایی کرده است که تحقق کامل حکمرانی زنان را با مانع روبه‌رو می‌سازد: الف) با وجود پیشرفت‌های هنجاری چشمگیر، شکاف عمیقی میان تعهدات بین‌المللی و واقعیت‌های ملی وجود دارد. بر اساس داده‌های نهاد زنان ملل متحد و اتحادیه بین‌المجالس تا ژانویه ۲۰۲۶، زنان تنها ۲۲/٤٪ از پست‌های کابینه را در اختیار دارند که نسبت به ۲۳/۳٪ در سال ۲۰۲٤ کاهش یافته است و زنان ۲۷/۵٪ از کرسی‌های پارلمانی را در سطح جهانی در اختیار دارند. تنها ۲۸ کشور توسط یک زن رهبری می‌شود و ۱۰۱ کشور هرگز رهبر زن نداشته است. ب) نزدیک به یک‌چهارم کشورها با عقب‌گرد در حقوق زنان روبه‌رو هستند. رهبری سیاسی زنان در مناصب اجرایی نه‌تنها راکد، بلکه در حال پسرفت است. دبیر کل سازمان ملل هشدار داده است که یک «عقب‌گرد خشمگین» تهدید می‌کند که پیشرفت را به عقب برگرداند. ج) بر اساس گزارش نهاد زنان ملل متحد، نزدیک به ۹۰٪ از سازمان‌های زنان دیگر نمی‌توانند نیازهای میدانی را تأمین کنند. بیش از ۷٤ سازمان

زن‌محور گزارش کرده‌اند که در سال ۲۰۲۷ به‌دلیل کمبود منابع مالی مجبور به تعلیق یا تعطیلی فعالیت‌های خود خواهند شد. د) هنجارهای برابری جنسیتی با مقاومت فعال ازسوی برخی دولت‌های عضو و کنشگران ضد جنسیتی روبه‌رو هستند که به‌صورت عقب‌گرد در حقوق زنان، کوچک‌شدن فضای مدنی، ترویج الگوهای خانوادگی پدرسالارانه، و پرسشگری در مورد ارزش خود برابری جنسیتی تجلی می‌یابد.

۳) آموزه‌ها: بر اساس بررسی کشورهای مورد مطالعه، به‌منظور ارتقای مؤثر حکمرانی زنان پنج درس‌آموخته استخراج شده است. الف) رویکرد چندسطحی و هماهنگ: مداخلات نهاد زنان ملل متحد در کشورهایی که هم‌زمان به سطوح اجتماعی، حقوقی و سیاسی پرداخته‌اند (مانند اردن)، تأثیر عمیق‌تر و پایدارتری داشته است. تغییر در هر سطح، بر سطوح دیگر تأثیر می‌گذارد و هم‌افزایی ایجاد می‌کند. ب) در موفق‌ترین مداخلات (عراق، اردن)، نهاد زنان ملل متحد به‌عنوان شریک فنی و تسهیل‌گر ایفای نقش کرده است، نه مجری مستقیم. این رویکرد، مالکیت ملی را تقویت می‌کند و پایداری دستاوردها را افزایش می‌دهد. ج) تجربه بنگلادش نشان می‌دهد که اصلاحات قانونی به‌تنهایی کافی نیست؛ تغییر هنجارهای اجتماعی از طریق توانمندسازی جامعه‌محور، تعامل با مردان و پسران و تغییر روایت‌های رسانه‌ای، برای تحول پایدار ضروری است. د) تجربه لبنان (پس از انتخاب رئیس‌جمهور جدید در ۲۰۲۵) و بنگلادش (پس از خیزش ۲۰۲٤) نشان می‌دهد که فرصت‌های تحول سیاسی پنجره‌های طلایی برای پیشبرد اصلاحات حکمرانی زنان هستند. ۵. نهاد زنان ملل متحد، به‌عنوان متولی شاخص‌های توسعه پایدار و تولید داده‌های تفکیک‌شده جنسیتی، بستر سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد را فراهم می‌آورد و امکان نظارت و پاسخ‌خواهی را تقویت می‌کند.

٤. پیشنهادهای راهبردی: بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای راهبردی متنوعی را می‌توان برای بازیگران گوناگون در حوزه ارتقای حکمرانی زنان عرضه کرد: الف) برای نهاد زنان ملل متحد: برنامه راهبردی ۲۰۲٦-۲۰۲۹ با تأکید بر مأموریت هماهنگی به‌عنوان محرکی برای کارایی و اثربخشی سراسر نظام ملل متحد، باید از طریق هماهنگی نزدیکتر با آژانس‌های سازمان ملل مانند برنامه عمران ملل متحد، یونیسف و شورای حقوق بشر و ایجاد پاسخ‌های مشترک به عقب‌گردهای جنسیتی، اجرا شود؛ همچنین برنامه راهبردی جدید بر ادغام دیدگاه‌های جنسیتی در حوزه‌های نوظهور ازجمله حکمرانی هوش مصنوعی و تحول دیجیتال تأکید می‌کند و باید با سرمایه‌گذاری در توانمندسازی

دیجیتال زنان و رویارویی با خشونت برخط علیه زنان در سیاست، همراه شود و اینکه باید با تقویت منابع مالی پایدار، حمایت از سازمان‌های حقوق زنان، ایجاد فضاهای امن برای فعالیت آنان و رویارویی با روایت‌های ضد جنسیتی از طریق حمایت‌گری راهبردی و تعامل با رسانه‌ها، به رویارویی با عقب‌گرد بپردازد. ب) برای دولت‌های عضو: تجربه اردن (افزایش ۵/۷٪) و عراق (افزایش ٤٪) نشان می‌دهد که سهمیه‌های قانونی یکی از مؤثرترین ابزارهای افزایش مشارکت سیاسی زنان است. دولت‌ها باید سهمیه‌های جنسیتی را در قوانین انتخاباتی، احزاب سیاسی و نهادهای محلی تصویب و اجرا کنند. در این راستا، دولت‌ها باید بودجه‌ریزی پاسخگوی جنسیتی را در تمام سطوح ملی و محلی اجرا کنند تا اطمینان حاصل شود که تخصیص منابع، نابرابری‌های جنسیتی را کاهش می‌دهد و به نیازهای زنان پاسخ می‌دهد؛ همچنین دولت‌ها باید با تأمین منابع مالی پایدار، ایجاد فضای امن برای فعالیت و مشارکت معنادار سازمان‌های زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری، از جامعه مدنی حمایت کنند و سرانجام، دولت‌ها باید قوانین تبعیض‌آمیز در حوزه‌های خانواده، ازدواج، ارث و خشونت مبتنی بر جنسیت را اصلاح کنند و با کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان، و پیشنهاد عمومی شماره ٤۰ آن همسو سازند.

در مجموع، نقش و تأثیر سازمان ملل متحد، به‌ویژه نهاد زنان ملل متحد، در ارتقای حکمرانی در حوزه زنان، فرایندی پیچیده و دستاوردهای چشمگیر دارد و با چالش‌های ساختاری روبه‌رو است. این پژوهش نشان داد که نهاد زنان ملل متحد با اقدامات هنجاری، نهادی، عملیاتی و نظارتی، نقش و تأثیر به‌سزایی در افزایش نمایندگی سیاسی زنان، تقویت چارچوب‌های قانونی و نهادی و تغییر هنجارهای اجتماعی ایفا کرده است، اما شکاف میان هنجار و اجرا، عقب‌گرد جهانی در حقوق زنان، کمبود منابع مالی و مقاومت فعال در برابر هنجارهای برابری جنسیتی از موانع جدی فراروی تحقق کامل حکمرانی زنان به‌شمار می‌رود. در این راستا، برنامه راهبردی ۲۰۲٦–۲۰۲۹ نهاد زنان ملل متحد با تأکید بر مأموریت هماهنگی، ادغام دیدگاه‌های جنسیتی در حوزه‌های نوظهور ازجمله حکمرانی هوش مصنوعی و رویارویی با عقب‌گرد، چشم‌اندازی امیدوارکننده ترسیم کرده است؛ لذا تحقق این چشم‌انداز، نیازمند اراده سیاسی پایدار دولت‌های عضو، سرمایه‌گذاری پیوسته در برنامه‌های برابری جنسیتی، تقویت سازوکارهای پاسخ‌خواهی در حقوق زنان و حقی بنیادین و تعهدی الزام‌آور برای جامعه بین‌المللی است.

فهرست منابع

عالی، محمدباقر؛ غضنفری، مهدی؛ پورصادق، ناصر و پور عزت، علی‌اصغر (۱٤۰۳). روش شناسی مطالعات حکمرانی، **حکمرانی متعالی**، ۵(۳): ۳۳-۵۹.

یعقوبی راد، پویا (۱٤۰۰). حقوق بشر و شرکت‌های چند ملیتی: سیاست‌های سازمان ملل و مسئولیت‌های شرکت‌ها در حفاظت از حقوق بشر در کسب‌وکار، **پژوهش‌های حقوقی**، ۲۰(٤٦): ۳٤۷-۳٦۹.

Refrences

Acharya, Amitav (2004). How Ideas Spread: Whose Norms Matter? Norm Localization and Institutional Change in Asian Regionalism, **International Organization,** 58(2), 239-275. DOI: 10.1017/S0020818304582024.

Aharoni, Sarai B. (2014). Internal Variation in Norm Localization: Implementing Security Council Resolution 1325 in Israel, **Social Politics: International Studies in Gender, State and Society**, 21(1), 1-25. https://doi.org/10.1093/sp/jxu003.

Bahous, Sima (2025). Remarks by UN Under-Secretary General and UN Women Executive Director Sima Bahous at the UN Security Council meeting on "Women and peace and security" on 6 October 2025, UN headquarters. https://reliefweb.int/report/world/remarks-un-under-secretary-general-and-un-women-executive-director-sima-bahous-un-security-council-meeting-women-and-peace-and-security-6-october-2025-un-headquarters.

Commission on the Status of Women (2025). Interactive dialogue: participation, accountability and
gender-responsive institutions, New York, Sixty-ninth session, E/CN.6/2025/16, 3 April 2025. https://digitallibrary.un.org/nanna/record/4080875/files/E_CN.6_2025_16-EN.pdf?withWatermark=0&withMetadata=0&registerDownload=1&version=1#1#1.

Cole, Wade M. (2013). Government Respect for Gendered Rights: The Effect of CEDAW on Women's Rights Outcomes, 1981–2004, **International Studies Quarterly** 57(2), 733-749. doi.org/10.1111/isqu.12000.

Doeland, E. M., & Skjelsbaek, I. (2018). Narratives of Support and Resistance: A Political Psychological Analysis of the Implementation of UNSCR 1325 in Bosnia and Herzegovina. **Political Psychology**, 39(5), 995-1011. https://doi.org/10.1093/sp/jxu003.

European Consortium for Political Research (ECPR) (2026). New Rules, Old Rules and the Gender Equality Architecture of the UN - The Creation of UN Women. https://ecpr.eu/Events/Event/PaperDetails/1507.

Finnemore, Martha (1996). National Interests in International Society, Ithaca, NY: Cornell University Press.

Finnemore, Martha & Sikkink, Kathryn (1998). International Norm Dynamics and Political Change, **International Organization**, 52(4), 887-917. DOI: 10.1162/002081898550789.

Green, Duncan (2026). Rethinking Social Norms: Why UN Women's New Framework Matters. https://blogs.lse.ac.uk/activism-influence-change/2026/03/16/rethinking-social-norms-why-un-womens-new-framework-matters/#search#1.

Guterres, António, Un Secretary-General (2018). Secretary-General Declares 'Time Is Now' for Gender Equality, Women's Empowerment, in Remarks on International Day,

SG/SM/18928-OBV/1775-WOM/2132, 8 March 2018. https://press.un.org/en/2018/sgsm18928.doc.htm.

Holmes, Georgina (2026). Feminist Institutionalism, in book: United Nations Peace Operations and International Relations Theory, Edited by Kseniya Oksamytna and John Karlsrud, Manchester University Press.

Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD) (2026). Gender and Governance https://wikigender.oecdcode.org/wiki/gender-and-governance/#ref1.

Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD) (2026). Gender equality. https://www.oecd.org/en/topics/gender-equality.html?wcmmode=disabled.com.html.

Taylor, Sara Rose (2020). UN Women's feminist engagement with governance by indicators in the Millennium and Sustainable Development Goals, **Global Social Policy**, 20(3), 352–366. https://doi.org/10.1177/1468018120931696.

UN Women (1995). The United Nations Fourth World Conference on Women, Beijing, China - September 1995, Action for Equality, Development and Peace, part 181. https://www.un.org/womenwatch/daw/beijing/platform/decision.htm.

UN Women (2024) (A). Jordan sets historic record for women in politics: legal reforms and leadership training drive change. https://hq.gs-dev.unwomen.org/en/news-stories/feature-story/2025/08/jordan-sets-historic-record-for-women-in-politics-legal-reforms-and-leadership-training-drive-change.

UN Women (2024) (B). What is gender-responsive budgeting? https://www.unwomen.org/en/articles/explainer/what-is-gender-responsive-.

UN Woman (2025) (A). Gender Responsive Governance and Women's Leadership. https://asiapacific.unwomen.org/sites/default/files/2025-11/20250432795-in-brief_gender-responsive-governance-and-women_s-leadership.pdf.

UN Women (2025) (B). UN Women Strategic Plan 2026–2029. https://hq.dev.unwomen.org/en/digital-library/publications/2025/09/brochure-un-women-strategic-plan-2026-2029

UN Women (2025) (C). What is the Women, Peace and Security agenda? https://www.unwomen.org/en/articles/explainer/what-is-the-women-peace-and-security-agenda.

UN Women (2025) (D). Women Lead: Expanding Space for Power, Participation, and Progeress. https://eca.unwomen.org/sites/default/files/2025-06/11_ecaro-brief-wppcs_web.pdf#1#1.

UN Women (2025) (E). Integrated Results and Resources Framework of UN-Women's Strategic Plan 2026-2029. https://hq.dev.unwomen.org/sites/default/files/2025-08/sp_irrf_2026-2029_final.pdf

UN Women (2025) (F). Mopan Assessment Report United Nations Entity for Gender Equality and the Empowerment of Women. https://www.unwomen.org/sites/default/files/2025-04/embargoed_mopan_institutional_assessment_report_-_un_women.pdf#10#2.

UN Women (2025) (G). UN Women in action: Strategic insights and achievements. https://open.unwomen.org/en/country-results/AS-RO.

UN Women (2025) (H). UN Women Iraq's 2025–2029 programme. https://open.unwomen.org/en/country-results/iq?plan_period=2025-2029.

UN Women (2025) (I). UN Women's Lebanon Strategic Note 2023–2025, https://open.unwomen.org/es/country-results/LB?plan_period=2023-2025.

UN WomeN (2025) (K). Governance and Participation in Public Life (Albania). https://albania.unwomen.org/en/what-we-do/governance-and-participation-in-public-life.

UN WomeN (2025) (L). In Brief: Gender Responsive Governance and Women's Leadership, UN Women Bangladesh's work. https://asiapacific.unwomen.org/sites/default/files/2025-11/20250432795-in-brief_gender-responsive-governance-and-women_s-leadership.pdf.

UN Women (2025) (M). UN Women's Regional Office for the Arab States Strategic Note 2022–2025. https://open.unwomen.org/en/country-results/AS-RO.

UN Women (2025) (N). Facts and figures: Women's leadership and political participation, 15 September 2025. https://hq.gs-dev.unwomen.org/en/articles/facts-and-figures/facts-and-figures-womens-leadership-and-political-participation.

UN Women (2025) (P). Annex I: Integrated Results and Resources Framework of UN-Women's Strategic Plan 2026-2029. https://hq.dev.unwomen.org/sites/default/files/2025-08/sp_irrf_2026-2029_final.pdf#3#1.

UN Women (2026) (A). UN Women at the High-Level Political Forum 2026. https://www.unwomen.org/en/news-stories/media-advisory/2026/06/un-women-at-the-high-level-political-forum-2026-hlpf.

UN Women (2026) (B). About UN Women. https://www.unwomen.org/en/about-us/about-un-women.

UN Women (2026) (C). Our Results 2022-2025. https://www.unwomen.org/en/annual-report/2026.

UN Women (2026) (D). Concepts and definitions. https://www.un.org/womenwatch/osagi/conceptsandefinitions.htm.

UN Women (2026) (E). Women in Local Government 2025, January 2026. https://localgov.unwomen.org/resource/women-local-government-2025.

UN Women (2026) (F). European Union and UN Women Convene Policy Dialogue on Gender-Responsive Budgeting in Justice Sector in KP and Balochistan (Pakistan). https://pakistan.un.org/ur/node/315117.

UN Women (2026) (G). Iraq: UN Women Transparency Portal. https://open.unwomen.org/en/country-results/IQ?plan_period=2022-2024.

UN Women (2026) (H). Ideologies, Institutions and Power Addressing Discriminatory Social Norms. https://knowledge.unwomen.org/sites/default/files/2026-03/ideologies-institutions-and-power-addressing-discriminatory-social-norms-en.pdf.

UN Women and Women Count (2026), Global Database on Violence against Women and Girls. https://data.unwomen.org/global-database-on-violence-against-women?vs=4355.

UN Women Asia-Pacific (2026). Political Participation of Women. https://asiapacific.unwomen.org/en/focus-areas/governance/political-participation-of-women.

UN Women/UNDP (2024). The Paths to Equal: Twin indices on women's empowerment and gender equality". https://www.unwomen.org/sites/default/files/2023-

07/the-paths-to-equal-twin-indices-on-womens-empowerment-and-gender-equality-en.pdf.

UN (2026). National Action Plans (NAPs). https://www.unccd.int/our-work/country-profiles/national-action-plans.

United Nations (2015). Transforming Our World: The 2030 Agenda for Sustainable Development (Resolution A/RES/70/1, 21 October 2015), New York: United Nations. https://hydrogen-portal.com/wp-content/uploads/2022/01/Pagine-da-UN-General-Assembly-A_RES_70_1_E-ridotto-1.pdf.

United Nations Security Council. (2000). Resolution 1325 on Women, Peace and Security, Adopted by the Security Council at its 4213th meeting, on31 October 2000 (S/RES/1325-2000), part 1 and 2. https://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BFCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/WPS%20SRES1325%20.pdf.

United Nations, Economic and Social Council (2021). Women's full and effective participation and decision-making in public life, as well as the elimination of violence, for achieving gender equality and the empowerment of all women and girls: Report of the Secretary-General (E/CN.6/2021/3). https://digitallibrary.un.org/record/3898140?ln=en&v=pdf.

United Nations Development Programme (UNDP) (2019). A Global Handbook on the Women, Peace and Security Agenda. https://www.undp.org/sites/g/files/zskgke326/files/publications/Parliament_as_partners_supporting_the_Women_Peace_and_Security_Agenda_-_A_Global_Handbook.pdf.

United Nations Development Programme (UNDP) (2026). Gender equality and democratic governance. https://www.undp.org/eurasia/our-focus/gender-equality/gender-equality-and-democratic-governance.

Wendt, Alexander (1999), Social Theory of International Politics Cambridge University Press.

Williams, Michael J. et al (2025), Understanding International Security, Cambridge University Press.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) https://creativecommons.org/licenses/by/4.0